

رهپوش

● فصلنامه علمی - فرهنگی رهپوش

● ۴۲ صفحه

● پیش شماره اول

● سال اول ، پاییز ۱۳۹۶

● رسالت‌های طلبگی در کلام مقام معظم رهبری

● اصول مهرورزی در سیره نبوی

● طلبه موفق

● افلاکیان خاک نشین

● اسلام، دین صلح و آشتی

● شهداء و نماز

● علماء و وحدت

سنی

Sunni

شیعه

Shia

محبت

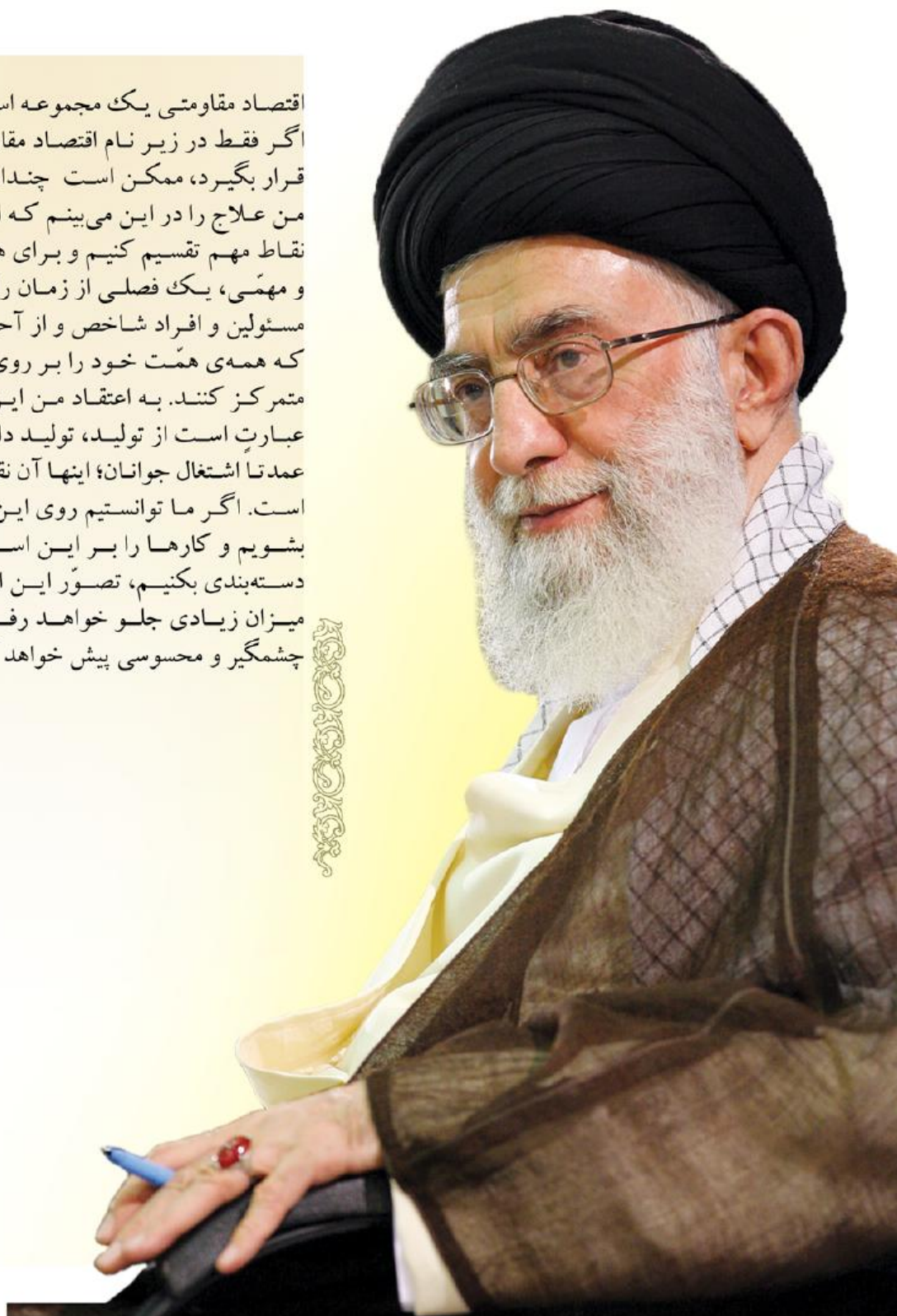
Kindness

وحدت

Unity

اقتصاد مقاومتی یک مجموعه است؛ این مجموعه اگر فقط در زیر نام اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار بگیرد، ممکن است چندان منشأ اثر نباشد؛ من علاج را در این می‌بینم که این مجموعه را به نقاط مهم تقسیم کنیم و برای هر نقطه‌ی کلیدی و مهمی، یک فصلی از زمان را قرار بدهیم، و از مسئولین و افراد شاخص و از آحاد مردم بخواهیم که همه‌ی همت خود را بر روی آن نقاط کلیدی متمرکز کنند. به اعتقاد من این نقطه‌ی کلیدی، عبارت است از تولید، تولید داخلی؛ و اشتغال و عمدتاً اشتغال جوانان؛ اینها آن نقاط کلیدی اصلی است. اگر ما توانستیم روی این دو نقطه متمرکز بشویم و کارها را بر این اساس برنامه‌ریزی و دسته‌بندی بکنیم، تصور این است که کار به میزان زیادی جلو خواهد رفت و موفقیت‌های چشمگیر و محسوسی پیش خواهد آمد.

۱۳۹۵/۱۲/۳۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه داخلی
نشریه علمی فرهنگی رویش شماره اول
نشریه علمی مدرسه علمیه حضرت آمنه سلام الله علیها

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت آمنه سلام الله علیها
مدیر مسئول: سلیمه سائری

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): زینب اصغریان
مرفیة باباخان
طیبه دهقان
هاجر شعبانی
خدیجه صوفی
فریده فاطمی مهر
مهديه فلاحي
نسرین کرد نژاد
زهرا وفايي

سردبیر: سیده زهرا عابدیان

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا): شهریانو ایرانلو
عاطفه بهرامی، فاطمه جمالزاده
فاطمه جهانگیری، فاطمه صابونچی
فاطمه شکوری، اعظم مومنیان
نیزه سادات محمدی، فاطمه هادی منش

طراح و گرافیک: منصوره شهاب
ویراستار: طاهره عارف زاده

پله پله تا آسمان	۲
سخن سردبیر	۳
پرتو هدایت / رسالت های طلبگی در کلام مقام معظم رهبری	۴
دل + نوشته / مهمان ویژه	۸
احکام / شیعه و سنی	۹
مقاله / اصول مهرورزی به کودکان در سیره نبوی	۱۰
صمیمانه با طلاب / طلبه موفق	۱۲
یادداشت / نگاهی به رویکردهای مکتبی و قرآنی شهید سید حسین علم الهدی	۱۴
افلاکیان خاک نشین / آشنایی با علمای حرم، مؤسس حوزه علمیه قم	۱۶
عکس و مکت / حضور رهبر معظم انقلاب در مناطق زلزله زده کرمانشاه	۱۸
مقاله / اسلام، دین صلح و آشتی	۲۰
آداب میوه خوردن در اسلام	۲۴
سفرنامه / اربعینی با مدرسه	۲۶
چشمه دانایی / معرفی کتاب داستان سیستان	۲۹
جدول	۳۰
در امتداد نور / شهدا و نماز	۳۲
چلچراغ / علما و وحدت	۳۴
آشپزی / برانیز انار	۳۷
مصاحبه / گفتگویی صمیمانه با مدیریت محترم مدرسه علمیه حضرت آمنه سلام الله علیها	۳۸
ساعت ورزش / زندگی + ورزش	۴۰
هنر در خانه / آموزش ساخت زیرلیوانی نمدی	۴۲

نشانی: بلوار الغدیر - ابتدای صفاشهر -
مدرسه علمیه حضرت آمنه سلام الله علیها
ایمیل: s.z.abedian@gmail.com
تلفکس: ۳۳۶۰۳۴۸۰
شماره تماس: ۳۳۶۰۳۱۳۹

پله پله تا آسمان

المؤمنون اخوه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

اللَّهُمَّ أَوْصِلْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِنَا وَ اهْدِنَا سَبِيلَ السَّلَامِ وَ نَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ جَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ.
خدایا میان ما را اصلاح ده و دل‌های ما را متفق ساز و ما را به آرامش هدایت کن و از تاریکی‌ها بسوی روشنی رهایی بخش و از زشتی‌های آشکار و نهان دور ساز.

(کنز العمال، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۳۶۷۷)

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْمَ مَنَى فَقَالَ: نَظَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاهَا وَ بَلَغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَكَمْ مِنْ حَامِلٍ فَقَّهِ غَيْرُ فَقِيهِ وَ كَمْ مِنْ حَامِلٍ فَقَّهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ثَلَاثٌ لَا يُغَيِّلُ عَلَيْهِنَ قَلْبُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللَّزُومُ لَجَمَاعَتِهِمْ ، الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه فرمودند: خداوند حال بنده ای را نیک بگرداند که گفتار مرا بشنود و به یاد بسپارد، آنگاه آن را به کسی برساند که آن را نشنیده است، چه بسا رساننده فقهی، به کسی که از وی فقیه‌تر است، و چه بسا رساننده فقهی، که خود فقیه با فهم نیست.

سه چیز است که قلب مسلمان حاضر به خیانت در آنها نشود: اخلاص عمل برای خداوند، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمانان، و پایبندی به جامعه مسلمین. همه مؤمنان با یکدیگر برابرند، و خونشان با هم برابر است، و همه آنان در مقابل دشمن یکدست و متحد هستند، و در وفا به عهده‌ی که کم‌ترین فرد آنان منعقد ساخته می‌کوشند.

(بحار الأنوار، ج ۲، ۱۴۸)



بایستی تفهیم کرد که
وحدت بین مسلمین
به صد دلیل واجب
و به صد دلیل
ممکن است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی

ولا تفرقوا

Do not divide

سخن سردیبر

«...و نزلنا عليك الكتاب تبياناً لكل شيء و هدى و رحمه و بشرى للمؤمنين؛ و ما اين كتاب را كه يانی رسا برای هر چیزی و راهنما و بخشایش و مژده برای مسلمانان است، بر تو فرستادیم». (نحل/۱۶، ۱۹)

بدون تردید، قرآن کریم بزرگ‌ترین و آخرین کتاب آسمانی است که بر پیامبر اکرم، خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نازل شده است.

هدف اصلی قرآن کریم، هدایت بشر به سوی تکامل است. هدایتی که در پرتو آن، رحمت همه جانبه مادی و معنوی برای انسان‌های با ایمان به دست می‌آید. بر همین اساس، مصلحان مسلمان دعوت به قرآن و بازخوانی پیام آن را سرلوحه اهداف خویش قرار دادند.

اندیشه ایجاد امت اسلامی، انسجام و اتحاد اسلامی، ایده ای است الهی که قرآن کریم به آن پرداخته است. این کتاب آسمانی نه تنها مسلمانان را به وحدت، همگرایی و انسجام اجتماعی و دینی فراخوانده، بلکه از تفرقه، جدایی و تجزیه طلبی نیز منع کرده است و مسلمانان را بر آن داشته تا خط بطلان بر تمامی آرزوها و برنامه های دشمنان اسلام کشند.

در مسیر وحدت اسلامی، تا زمانی که به آیات قرآن به عنوان منشوری برای حیات اجتماعی انسان‌ها نگریسته شود، خواهیم دید که انقلابی عظیم و عمیق در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد.

واعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا؛ خداوند متعال از مسلمانان دعوت می‌کند که به ريسمان الهی چنگ زنند و دچار تفرقه نشوند.

عمل کردن به این آیات، به عنوان منشور اجتماعی، آثار و برکات اعجاز آمیزی در پیشرفت اسلام، سربلندی، عزت و اقتدار مسلمین خواهد داشت.

اللهم اعز الاسلام و المسلمين.....

پرتو هدایت

رسالت‌های طلبگی در کلام مقام معظم رهبری مدظله العالی

گردآورنده: اعظم مومنین

اگر ما روحانیون نقش خود را درست بشناسیم و بتوانیم آن را ایفا کنیم، دنیا را آباد خواهیم کرد.

۱۳۸۳/۱۰/۲۳

آنچه مهم است این است که طلبه‌ی دین، عالم دین و روحانی وظیفه‌ی خودش را در هر برهه‌ای از زمان تشخیص بدهد. اگر وظیفه تشخیص داده نشد، علم و تقوا و مانند اینها به درد نمیخورد و به‌جا مصرف نمی‌شود. اگر علم و تقوا داشته باشیم، حتی شجاعت هم داشته باشیم اما ندانیم وظیفه چیست و موقعیت کدام است، ندانیم امروز مطالبه‌ی خدای متعال و دین از ما در عرصه‌ی اجتماع چیست، آن علم و تقوا و شجاعت و بقیه‌ی خصوصیات مثبت اثر خودش را نمی‌بخشد. یکی از مصادیق مهم بصیرت همین است که انسان بداند امروز چه نیازی در جامعه وجود دارد.

۱۳۹۵/۶/۱۶

اولین چیزی که در حوزه‌های علمیه لازم است، عمق بخشیدن به تحصیل دینی است.

۱۳۸۴/۰۲/۱۱



روحانیت در کنار کسب علم باید همواره مقید به تدین، تهذیب اخلاقی، فرائض و نوافل و تلاوت قرآن باشد ... وظیفه‌ی شما خیلی زیاد است. از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید؛ هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ تهذیب، هم از لحاظ تدین، هم از لحاظ پایبندی و تقید به فرائض و نوافل و تلاوت قرآن.

۱۳۹۱/۷/۱۹

طلبه امروز باید به این بُعد از زندگی خود (معنویت)، بسیار توجه کند. شما جوانید؛ دل‌های شما نورانی است و تعلقاتتان کم است؛ اما همیشه این‌طور نمی‌مانید. این سرمایه را امروز فراهم کنید تا آن روز که گرفتاری‌ها و تعلقات از اطراف به شما حمله کرد، بتوانید از آن ذخیره معنوی خود استفاده کنید.

۱۳۷۴/۰۹/۱۶





یک چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جداً به آن توجه کنیم، مسئله حفظ قداس روحانی است. روحانیت دارای قداس است. مردم به من و شما که نگاه می کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می کنند، خیال می کنند ماها نمی کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی دهند، خیال می کنند ما انجام می دهیم؛ خیال می کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره ما دارند. البته این تصورات را نباید نفی کرد ... این قداس را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداس با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زنی طلبگی است ... شأن طلبگی این است که انسان یک زنی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداس حفظ خواهد شد.

۱۳۸۵/۸/۱۷

در نظام اسلامی وظیفه‌ی علما فقط گفتن مسئله‌ی نماز و روزه نیست، مردم را بیدار می کنند، هوشیار می کنند، حقایق را به مردم می گویند، بصیرت‌افزایی می کنند.

۱۳۹۲/۱۲/۱۵

روحانیت خدمت‌گزار مردم است.

۱۳۷۴/۰۸/۱۰

جامعه‌ی روحانیت دین و اخلاق و معنویت را، با عمل و زیان خود در جامعه بپراکند و همه‌ی دل‌ها را متوجه‌ی معنویت و دین و اخلاق کند.

۱۳۶۸/۰۴/۰۴

اولین وظیفه‌ی عالم دینی تبلیغ است و علم دین برای تبلیغ است.

۱۳۷۴/۱۰/۲۷

شما روحانیون باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق دهید. البته این عبودیت، در زمینه‌ی اخلاق، در زمینه‌ی عمل فردی و در زمینه‌ی عمل اجتماعی کاربرد دارد.

۱۳۷۶/۱۰/۰۳



یکی از چیزهایی که برای ما خیلی مهم است، مسئله‌ی «ارتباط با سیاست» است.... باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناح‌های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد... باید با مسائل سیاسی آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید. طلبه‌ها امروز به اینها نیاز دارند. یک گوشه‌ای نشستن، سرخود را پایین انداختن، به هیچ کار کشور و جامعه کاری نداشتن و از هیچ حادثه‌ای، پیش‌آمدی، اتفاق خوب یا بدی خبر نداشتن، انسان را از جریان دور می‌کند. ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه‌ی مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، بینید چقدر خسارت وارد می‌کند. بنابراین، یک وظیفه‌ی مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است.

۱۳۸۵/۰۸/۱۷

حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند؛ و این درست عکس آن چیزی است که سیاست سرویس‌های امنیتی انگلیس، آمریکا، اسرائیل و دیگران دنبال می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند بلکه بتوانند یک منفذی پیدا کنند... برای اینکه فاصله‌ی بین نظام و روحانیت را برجسته کنند؛ القا کنند که چنین فاصله‌ای وجود دارد. بنابراین حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار باشند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است.

۱۱۳۹۱/۷/۱۹

وظیفه‌ی مهمی که امروز بر عهده‌ی علماست، این است که به موقعیت جمهوری اسلامی و آنچه که دشمن درصدد آن است، توجه کنند. دشمن یک لحظه حاضر نیست اسلام و جمهوری اسلامی را تحمل کند.

۱۳۷۰/۱۰/۱۱



حوادث گوناگونی برای انقلاب هست؛ طلاب باید حاضر و آماده باشند. مسأله‌ی امریکا پیش می‌آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبران پیش می‌آید، مسایل خلیج فارس پیش می‌آید، مسایل گوناگون دیگری پیش می‌آید؛ طلبه، اول کسی باشد که احساس کند مسؤولیتی دارد و آن مسؤولیت را استفسار کند، ببیند چیست. هنگامی که مسؤولیتش مشخص شد، در جای مسؤولیت خودش باشد. اینها با طلبگی می‌سازد.

۱۳۶۹/۱۱/۰۴

حوزه و روحانیت جزیره‌ای نیست که با پیرامون خود ارتباطی نداشته باشد. برحسب بافت معمولی همیشگی تغییرناپذیر نظام اجتماعی و روابط انسانی ما، حوزه و روحانیت مثل خونی است که در سرتاسر پیکره‌ی جامعه در جریان است؛ در حرکت است؛ با همه جا مرتبط است. لذا مسائل روحانیت و مسائل حوزه، پیوندی ناگسستنی با مسائل کشور، مسائل نظام اسلامی، مسائل دنیای امروز و حتی با مسائلی از تاریخ و گذشته دارد.

۱۳۷۹/۷/۱۴



یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک می‌کند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین فرمود: «طیب دَوّار بَطْبَه قَد احکم مراهمه و احمی مواسمه». نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه‌ی روحانی و مجموعه‌ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است - باید از دست ندهیم.

۱۳۸۹/۴/۲۰



دل + نوشته

مهمان ویژه

می گویند یلدا، طولانی ترین شب سال است که بعضی این شب را میزبانند و بعضی دیگر، میهمان. اما دلم می گوید امسال را میزبان باشم. از پیام آور مهربانی ها هم خوانده ام که میهمان، روزی اش را با خود می آورد و گناهان میزبان را می برد. خب! چه معامله ای بهتر از این.

پس باید سنگ تمام گذاشت. میهمان ها به ترتیب لیست، دعوت شدند. خریده ها هم تمام شد. حالا نوبت آب و جاروست. طراوت بهاری آراستگی را در شریان های وجودم جاری می کنم تا کارها به بهترین و زیباترین نحو ممکن، انجام شود. همین طور که مشغول گردگیری و رفت و روب اتاق پذیرایی هستم، رادیو را روشن می کنم تا از حال و هوای شهر و همشهریانم در شب یلدا، باخبر شوم. مجری برنامه با لحن خوش آهنگی می خواند:

شب یلدایم اگر با تو سپر شد، یلداست
یا اگر این شب من با تو سحر شد، یلداست
ما که عمری زده ایم دم ز فراق تو اگر
بعد از این شام سیه، ختم سفر شد، یلداست
ما که خود چله نشین تو شدیم آقا جان
این شب چله اگر از تو خبر شد، یلداست
شب نشینی و کنار دگران، خوب اما
با تو و عشق تو گر جمله به سر شد، یلداست

هر بیت شعر مجری، آشوبی در دلم می کارد که مثل پیچکی یخ زده، دورتادور قلبم می پیچد و ضربان قلبم را کند و کندتر می کند. با خودم می گویم: «هر شب جمعه، میهمان ولی عصرمان هستیم و مکرر در مکرر می خوانیم: انا یا مولای فیه ضیفک و جارک. چه تصادف جالبی، چه فال نیکی که یلدای امشب، همان شب میهمانی امامان است؟ جمعه. من که به حکم دلم، قرار است یلدای امشب را میزبان باشم و خوب میهمانداری کنم، سنت هر شب جمعه را می شکم و این بار، نه میهمان آقای دلم، که میزبان حضورش می شوم. این سنت شکنی را به پای عشق بازی ام بنویسند؟ که خود می دانند مجنون در برابر لایلا، هیچ قاعده و قانونی را بر نمی تابد.»

به خودم قول داده بودم سنگ تمام بگذارم. حالا که میهمان ویژه ای دارم، چه کنم تا سنگ تمام گذاشته باشم؟ صدای تپش قلبم را می شنوم. وضو می گیرم تا آرام شوم. زیر لبم؛ طوری که دیگران صدایم را نشنوند، زمزمه می کنم: «اگر آقا دعوتم را قبول کنند و میهمان میزبانی من شوند، گناهان اهل خانه را می برد؛ گناه هم که برود، دل، طاهر و با صفا می شود. این طور شاید قفل های دلم بشکند و امشب بشود «شب واقعه» زندگی من. آیا می شود یلدای امشب، شب لبیک من به ندای ناصرخواهی مولایم باشد؟»
در پلک زدنی، دلم می لرزد. نکند میزبانی ام قبول نشود؟ نکند دعوتم، خواب پریشان شب های زین پسم بشود؟ دست به دامان خدا می شوم تا لیاقت میزبانی این میهمان ویژه را از من نگیرد. قامت می بندم... شمیم عطر یاس، خانه ام را آکنده می سازد و قلبم را سرمست....



احکام

سنیعه

حکم لعن و سبّ به بزرگان و مقدسات اهل سنت و سایر مذاهب چیست؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: اهانت به نمادهای برادران اهل سنت حرام است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: هرگونه اهانت به مقدسات دیگران شرعا جایز نیست.

حضرت آیت الله سیستانی: دشنام به مقدسات اهل سنت مغایر با آموزه‌های اهل بیت عصمت علیهم السلام به شیعیان و شاگردان خود است.

حضرت آیت الله وحید خراسانی: نباید با اتباع مذاهب دیگر دشمنی کرد، نباید به مقدسات آنها توهین نمود، لعن و سبّ بزرگان آنها جایز نیست، زیرا موجب دور کردن آنها از اهل بیت و معارف آنها می‌شود.

حضرت آیت الله جوادی آملی: سبّ صحابه، اهانت به مقدسات شیعه یا سنی، توهین و تحقیر ظالمانه نسبت به باورهای هر کدام از دو گروه، حرام و ایجاد اختلاف و روشن کردن آتش تفرقه و شقاق و تحطیم و هدم اساس وحدت امت اسلامی، گناهی بزرگ است.

حضرت آیت الله موسوی اردبیلی: مومنین باید از کارهایی که موجب تشدید اختلاف به خصوص در شرایط فعلی و در مقابل کفر و الحاد می‌شود اجتناب کنند.

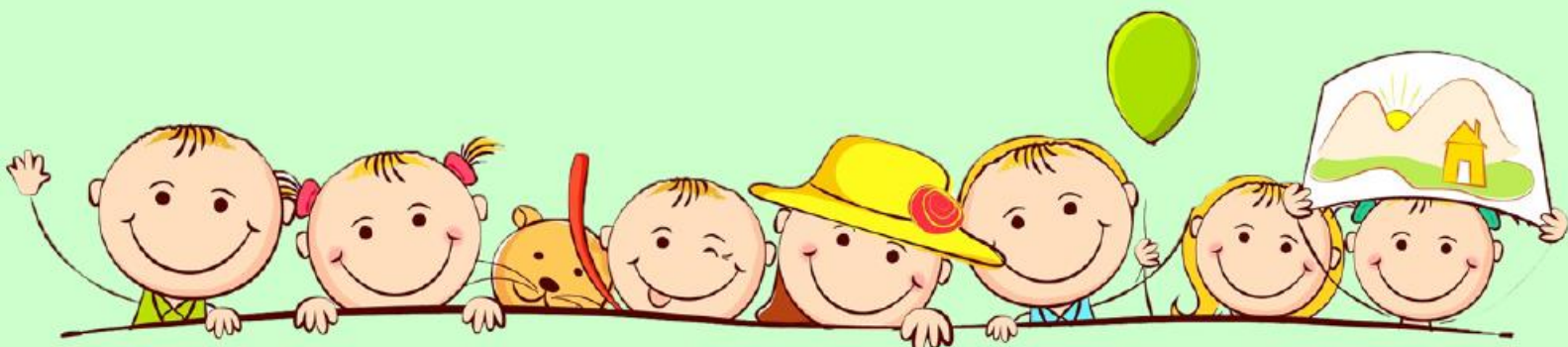
مقاله

فاطمه صابونچی

اصول مهرورزی به کودکان در سیره نبوی صلی الله علیه و آله

کودکان افرادی هستند که طبقه‌ی خاصی از جامعه را در بر می‌گیرند. آنها مدل‌هایی از جنس‌های کوچک شده‌ی بزرگسالان نیستند؛ بلکه انسان‌هایی هستند که نیازها و امیال معین و خاصی دارند. آنها مراحل متوالی و به هم پیوسته‌ای از رشد را پشت سر می‌گذارند تا به دوره نوجوانی برسند. هریک از مراحل رشد، واجد خصوصیات تربیتی معینی است که باید تربیت کنندگان، خانواده، آموزگاران و... با در نظر گرفتن مفاهیم اخلاقی و روش آموزش صحیح، تعلیم و تربیت کودک و نوجوان را بر عهده بگیرند. تعلیم و تربیت کورکورانه نوعی آزمایش نیست، بلکه امری پیچیده، پرمایه و کوششی هدف‌دار است. در حقیقت تعلیم و تربیت، مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است که باید بزرگسالان، آنها را دانسته و آگاهانه برای رسیدن به هدف با ارزشی، از میان انبوهی اعمال و رفتار ممکن برگزینند. بدون شک یکی از ابزارهای تربیت و تشکیل شخصیت یک کودک مهر و محبت‌هایی است که به وی می‌شود. مهر و محبت به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد و فقط یک موضوع عاطفی و روانی نبوده و به تمام جنبه‌ها و زوایای زندگی یک فرد مربوط می‌شود. بنابراین ابراز محبت می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز نماید که مشخص‌ترین آن تأثیر روانی و عاطفی است، اما درصد بسیار زیادی از ابراز محبت می‌تواند به صورت جنبه‌های مادی باشد. باید توجه داشت که ابراز

۱. تبسم و در آغوش گرفتن
به مادران سفارش شده است هنگام شیر خوردن نوزاد سعی کنند آرامش داشته باشند و با لبخند و تبسم به روی کودک خود بنگرند. اگر مادری با شیر خشک و مانند آن فرزندش را تغذیه می‌کند، او را عاشقانه در آغوش بگیرد و در آغوش خود به او شیر دهد. پدر نیز موظف است در رسیدگی و محبت به کودک تمام تلاش خود را به کار گیرد. بهترین نوع ابراز محبت به کودکان در اوایل تولد، نوازش، در بغل گرفتن و لبخند زدن به صورت آنان است. کودک در این دوران باید امنیت عاطفی و حمایت مادر را با تمام وجودش احساس کند. (یوسفیان، مدیریت زن در خانواده، ص ۷۳)
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «همانگونه که کودک به غذا و آب و هوا نیاز دارد، به محبت و نوازش نیز نیازمند است، زیرا محبت بهترین غذای روحی کودک می‌باشد، از این جهت کودک از تبسم، بوییدن و در آغوش گرفتن خشنود می‌شود و لذت می‌برد.» (احمدی، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الگوی زندگی، ص ۱۷۴)



۵. نمونه‌ای از مهرورزی پیامبر با کودکان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به کودکان بسیار عطوف و مهربان بود و به آنان بسیار محبت می‌کرد. در رفتار آن حضرت نوشته‌اند موقعی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از سفری مراجعت می‌کرد و در راه با کودکان مردم برخورد می‌کرد به احترام آنها می‌ایستاد، سپس امر می‌فرمود کودکان را می‌آوردند و از زمین بلند می‌کردند و به آن حضرت می‌دادند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعضی را در آغوش می‌گرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و به اصحاب خود نیز می‌فرمود: «کودکان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید.» (دلشاد تهرانی، کرامت و تکریم، ص ۱۴؛ ر.ک، المحجبه البيضاء، ج ۳، ص ۳۶۶ - ۳۶۷)

البته شایان ذکر است که نباید در این محبت نیز افراط کرد بلکه باید به همان شیوه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به صورت اعتدال رفتار کرد. یکی از مصادیق افراط در محبت این است که اجازه ندهیم فرزندانمان روی پای خود بایستند و از عهده‌ی کارهای خود برآیند. عده‌ای از والدین بر این عقیده هستند که اگر خود را در خدمت فرزندان قرار دهند و علی‌رغم توانایی فرزندان در انجام برخی کارها، خود عهده‌دار انجام این کارها شوند، محبت خود به فرزند را رسانده‌اند. در حالی که چنین کاری محصولی جز وابستگی فرزند، و پر توقع شدن او به بار نمی‌آورد.

۲. به وعده وفا کردن

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: احبوا الصبیان و ارحمهم و اذا وعدتموهم شیئاً ففوالهم کودکان را دوست بدارید و به ایشان مهر بورزید و چون به آنان وعده‌ای دادید، به وعده خود وفا کنید. (کافی جلد ۶ - ص ۴۹)

۳. مهربانی و بوسیدن کودک

یک از راه‌های ابراز محبت به کودکان بوسیدن است. انس بن مالک گوید:

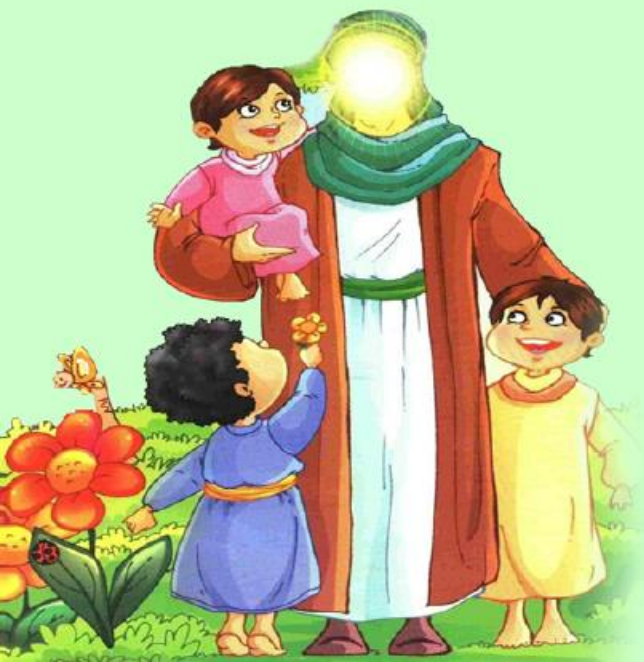
ما رأیت أحداً أکَانَ بِالْعِیَالِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. کَانَ إِبْرَاهِيمَ مُسْتَرْضِعاً لَهُ فَمِنْ عَوَالِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ ظِئْرُهُ قَيْنًا، فَكَانَ يَأْتِيهِ وَ أَنَّ الْبَيْتَ لِيَدْخُنْ فَيَأْخُذُهُ فَيَقْبَلُهُ

هیچ کسی را نسبت به اهل و عیال خود مهربان‌تر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ندیدم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در دوران شیرخوارگی فرزندش ابراهیم، برای او دایه‌ای در اطراف مدینه گرفته بود و با این که خانه دایه در اثر شغل آهنگری همسرش پر از دوده شده بود، اما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نزد او می‌رفت و وی را می‌بوسید. (کتاب العیال - جلد ۱)

مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: من تا به حال هیچ یک از فرزندانم را نبوسیده‌ام. هنگامی که از نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت، حضرت فرمود: «این مرد نزد من اهل دوزخ است.» (ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۰)

۴. شاد کردن کودک

هر اندازه والدین بیشتر با کودک خود بازی کنند و تلاش کنند که او را شاد سازند، اثرات روحی مثبت بیشتری در کودک خود ایجاد کرده‌اند و کودک احساس می‌کند مورد محبت و مهرورزی قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «کسی که دخترش را خوشحال کند، پاداش کسی را دارد که بنده‌ای از فرزندان حضرت اسماعیل (صلی الله علیه و آله و سلم) را آزاد کرده است و کسی که پسرش را خوشحال نماید، مانند کسی است که از خوف خداوند گریه کرده است و کسی که از خوف خدا گریه کند، خداوند او را داخل بهشت می‌نماید.» (واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، احادیث اهل بیت (علیه السلام)، ج ۸، ص ۴۰۲)



صمیمانه با طلاب

طلبه موفق

. خبرنگار: فاطمه جمال زاده

«برنامه ریزی» از عوامل موفقیت در زمینه خانواده داری و طلبگی است

تمام انسان‌ها در مسیر زندگی در تلاشند، تا به کمالات مطلوبی در زندگی فردی و اجتماعی خود دست یابند و برنامه زندگی خود را به گونه‌ای ترتیب می‌دهند که به سعادت و موفقیت مورد نظر دست یابند. بر همین اساس، هر طلبه‌ای نیز مشتاق است به موفقیت لازم در این مسیر دست یابد. در این بخش با «مرضیه ساجدی فر» طلبه‌ای که با وجود داشتن سه فرزند و رسیدگی کامل به خانواده، درخشندگی قابل توجهی در کسب دروس حوزوی به دست آورده است به گفتگو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

- هماهنگی ایجاد کردن بین رسیدگی به امور خانه و خانواده و درس خواندن و ممتاز بودن در زمینه تحصیلی چگونه محقق می‌شود؟

ساجدی فر- داشتن هدف در زندگی، انسان را به سمت موفقیت می‌کشاند. یعنی اگر در زندگی هدفی بالاتر از خوردن و خوابیدن و انجام کارهایی بالاتر از سطح امور عادی روزمره داشته باشی این تو را در رسیدن به موفقیت یاری می‌کند.

مورد دیگری که حائز اهمیت است، داشتن برنامه ریزی برای اداره و انجام امور محوله است. توجه به این مسئله آنقدر ضروری است که می‌توان گفت بدون برنامه‌ریزی نمی‌توان در کاری موفق شد.

- آیا یقین داشتن به راه طلبگی را می‌توان از عوامل موفقیت شما در عرصه طلبگی در عین توجه به امور خانواده دانست؟

ساجدی فر- بله، همینطور است. من پیش از ورود به حوزه علمیه دانشجوی بودم و حتی مدتی تدریس هم می‌کردم ولی این‌ها برایم کافی نبود و با وجود داشتن مدرک تحصیلی قابل قبول با اشتیاق و یقین وارد راه طلبگی شدم و همواره با همین روحیه این مسیر را دنبال کرده‌ام.

رسیدگی به درس‌های حوزه شما را از رسیدگی به امورخانه، فرزندان و همسر داری باز نمی‌دارد؟

ساجدی فر- همیشه سعی کرده‌ام این اتفاق نیفتد از این‌رو، روزانه براساس اولویت‌هایی که برای خود تعیین کرده‌ام به مسائل، رسیدگی می‌کنم. اولویت نخست من خانواده‌ام است و سپس بقیه موارد؛ اگر گاهی به وقت بیشتری برای مرور درس‌هایم احتیاج پیدا کنم از انجام کارهای

غیر ضروری مثلاً تماشای تلویزیون، تماس تلفنی با دوستان و آشنایان یا مواردی از این دست، خودداری می‌کنم و به جای آن به مطالعه می‌پردازم؛ البته خداوند نیز در این راه بسیار یاری‌ام کرده در غیر اینصورت در این مسیر به درجه مطلوبی نمی‌رسیدم.

البته معمولاً ساعت پنج تا هفت صبح را به درس خواندن اختصاص می‌دهم که در این زمان خانواده خواب هستند و درس خواندن من سبب اذیت شدن آن‌ها نمی‌شود.

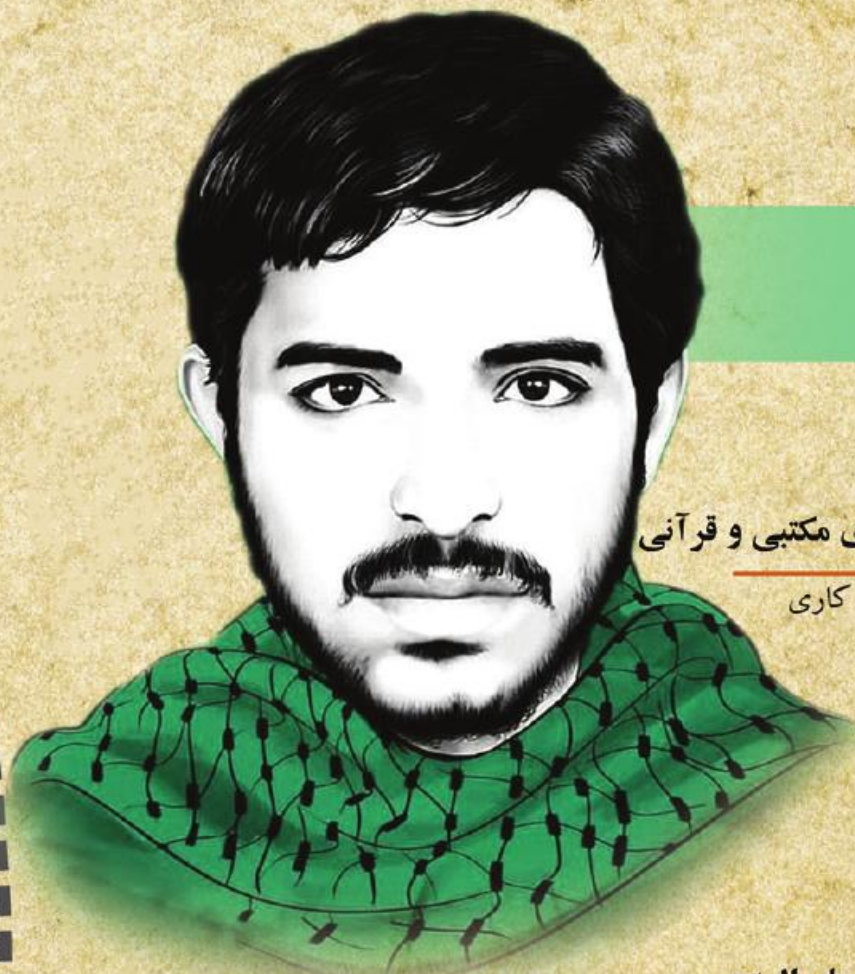
- آیا به حوزه علمیه احساس دین هم دارید که موجب کشش بیشتر شما به سمت توجه به دروس شده باشد؟

ساجدی فر- بله، فارغ از بعد معنوی قضیه، میانگین هزینه تحصیل یک دانشجوی طی دوره‌ای که برای دریافت مدرک کارشناسی در دانشگاه ایران تحصیل می‌کند حدود ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون برای کشور آب می‌خورد، اگر کمترین مقدار این هزینه در نظر گرفته شود باز هم مبلغ قابل توجهی می‌شود؛ تحصیل به صورت رایگان در حوزه علمیه سبب شده واقعا خود را در برابر حوزه علمیه مدیون و مسئول بدانم چون قطعاً هزینه‌ای که صرف تحصیل در حوزه می‌شود سبب ایجاد حقی بر گردن من شده و باید با توجه به دروس خود و تلاش برای رشد خود و دیگر طلاب در برابر این حق، کاری انجام دهم.

سخن آخر؟

ساجدی فر- کسانی که وارد حوزه علمیه می‌شوند به این فکر کنند که این توفیقی از جانب خداوند است و برای حفظ این موقعیت و ترقی در این مسیر به خداوند توجه و توکل داشته باشند؛ دعای پدر و مادر نیز در این راه و همچنین سایر امور زندگی بسیار راهگشا است.

یادداشت



نگاهی به رویکردهای مکتبی و قرآنی

به قلم: زینب اصغریان کاری

شهید سید حسین علم الهدی

بی تردید یکی از بزرگ‌ترین و مطمئن‌ترین راه‌های هدایت و نجات تأسی به سخن پروردگار و کلام الله مجید است. سخنی سراسر نور و رحمت که «هدی للمتقین» و «هدی للتی هی اقوم» است. کسانی توانسته‌اند ره توشه حقیقی از این منبع پر فیض الهی کسب نمایند که در کنار عترت و اهل بیت (علیهم السلام) قرآن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند.

پیوند میان قرآن و عترت، حبل المتینی است که اولیاء الهی بدان متمسک می‌شوند و بسیاری از شهدا و صالحین نیز تالی‌تلو ایشانند و ره صد ساله را یک شبه می‌پیمایند؛ شهادتی که غریبانه پر گشودند و رفتند.

شاید بتوان گفت یکی از مظلوم‌ترین شهدای دفاع مقدس، شهدای هویزه و در رأس ایشان شهید «سید محمد حسین علم الهدی» است که در عین گمنامی در برهه‌ای توانست مؤثرترین خدمات در ابعاد فرهنگی و نظامی را تقدیم جامعه اسلامی نماید.

شهید علم الهدی اغلب با چهره سیاسی و نظامی خود شناخته می‌شود و کمتر ابعاد شخصیتی مکتبی و فرهنگی ایشان مورد واکاوی قرار گرفته است. در این مجال، تلاش بر آن است که زوایای پنهان ابعاد فرهنگی و مذهبی ایشان مورد بررسی قرار گیرد.

زندگی کوتاه و پرفراز و نشیب شهید علم الهدی، همواره نشأت گرفته از مکتب قرآن و اسلام است؛ ایشان از نوجوانی و با تشکیل کتابخانه و راه‌اندازی جلسات سخنرانی، فعالیت فرهنگی و سیاسی خود را در مساجد اهواز آغاز نمود و سپس به تدریس قرآن در گوشه و کنار شهر پرداخت. انس وی با قرآن و نهج البلاغه بسیار زیاد بود تا آنجا که با وجود کمی سن، توانست حلقه‌ای از افراد مؤمن و مفید و انقلابی را حول محور قرآن و نهج البلاغه جمع کند.

ایشان بعد از قبولی در دانشگاه مشهد توانست با حوزه علمیه و با روحانیون مبارز، ارتباط تنگاتنگی برقرار کند؛ روحانیونی که بعدها به عنوان شاخص‌ترین فعالان مذهبی و انقلابی، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خدمات شایانی را در تداوم نهضت اسلامی ارائه نمودند.



در مشهد بود که آوازه جلسات تفسیر قرآن «حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله)» او را به سوی خود جلب کرد؛ جلسات تفسیری که از مسجد کرامت آغاز شد و بعدها نظر همگان حتی رژیم منحوس پهلوی و ساواک را متوجه خود ساخت.

ایشان به تدریج، جذب تشکیلات انقلابی می‌شود و با تأسی به مسئولیت مکتبی و قرآنی خود همگام با مردم برای احیای نهضت اسلامی دوشادوش روحانیونی چون حجت الاسلام هاشمی‌نژاد، پای به عرصه مبارزه می‌نهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانی‌های خویش «تأسی به ولایت فقیه» و «درک سخنان امام امت» را یکی از مهم‌ترین وظایف هر جوان مسلمان می‌داند و معتقد است که تمام جملات امام برگرفته از متن قرآن است؛ لذا باید در آن تدبیر و تعقل نمود و به مطالب ایشان به‌عنوان راهبردی اساسی برگرفته از قرآن در مواجهه با مباحث مکتبی و فرهنگی نگریست.

ایشان در موقع مطرح ساختن پیش‌نویس قانون اساسی در مجلس خبرگان «طرح ولایت فقیه» را تنظیم و به نماینده اهواز در مجلس خبرگان تحویل داد.

سخنرانی‌های ایشان پیرامون مباحث اعتقادی و اسلامی از رادیو پخش می‌شد و تنها در تابستان توانست به ۸۰۰ شاگرد پسر و دختر قرآن، نهج البلاغه و تاریخ را آموزش دهد؛ حتی در ماه رمضان ۸ الی ۱۰ ساعت تدریس می‌کرد.

چنانکه گفته شد، بیشترین تأکید ایشان بر تداوم مسئولیت مکتبی و قرآنی و استمرار نهضت عاشورائی در سایه ولایت فقیه می‌باشد؛ در خاتمه کلام، به ذکر یکی از سخنرانی‌های ایشان می‌پردازیم:

«یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌هایی که ما و تمامی مسلمانان انقلابی امروز بر دوش داریم، درک سخنان امام است که سخنان امام همواره عمیق و دارای گستردگی بسیار زیادی است و ما نباید به‌طور سطحی فقط به شنیدن اکتفا کنیم. بلکه باید سعی کنیم که در سخنان امام دقیقاً تفکر و اندیشه کنیم و در جمله جمله صحبت‌های امام بیندیشیم. مهم‌ترین مسئله ای که امروز وجود دارد و باید ما دقیقاً جملات امام را مورد مطالعه قرار بدهیم می‌بینیم که بسیاری از این جملات بلکه همه پیام‌های امام برای مردم، با آیات قرآن هماهنگی دارد، بلکه علاوه بر این، وجود هماهنگی، یک نوع رابطه خاصی میان سخنان امام امت «خمینی» و آیات قرآن و احادیثی از ائمه خواهیم یافت که این سخنان همدیگر را تفسیر می‌کنند و همدیگر را توضیح می‌دهند و بسیاری از آیات قرآن را ما از زبان امام امت با زبان ساده می‌شنویم؛ بنابراین سخنانی که از حلقوم این ابرمرد یعنی آیت الله العظمی امام خمینی بیرون می‌آید، یک سخنان معمولی و ساده نیستند؛ بلکه سخنانی هستند که دارای عمق و گستردگی بسیار زیادی هستند و ما انسجام مکتبمان را باید از ایجاد ارتباط میان سخنان امام و آیات قرآن و احادیث ائمه اظهار بیابیم و این خود مسئله‌ای بسیار عمیق در رابطه با کارهای تحقیقاتی و مسئولیت‌های مکتبی و فرهنگی است.»

وی در حالی که قرآن در دست داشت به شهادت رسید و از روی قرآن همراهش شناسایی شد.



افلاکیان خاک نشین

آشنایی با علمای حرم

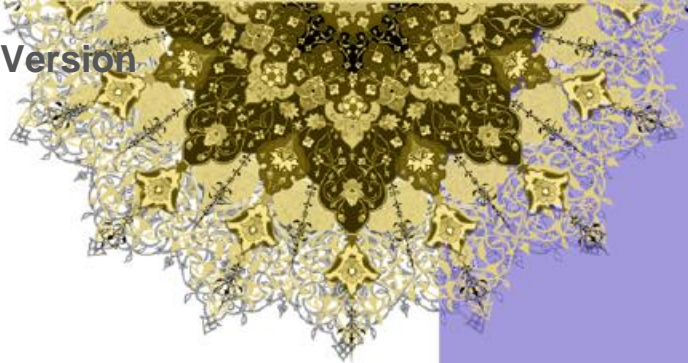
به قلم: فاطمه جهانگیری

موسس حوزه علمیه قم

با خودم فکر کردم باید زندگی پر فراز و نشیبی داشته باشد. دوست داشتم زندگی نامه شان را مطالعه کنم. با این نیت، به خانه بازگشتم تا اولین کارم، جستجو کردن مطالب زندگی این عالم بزرگوار باشد.

به خانه رسیدنم همزمان با رسیدن برادرم به خانه شد. مثل همیشه بعد از ورود به خانه شروع می کند به بازگو کردن اتفاقات هر روز حوزه شان، چون امسال به حوزه رفته است. می خواهد طلبه شود و به دلیل علاقه زیادش به دروس حوزه امسال وارد یکی از مدارس حوزه علمیه شد. درباره مباحثه‌ی درس هایش سخن گفت از درس سخت و مهم فقه و ساعت آخر امروز که مدیرشان به کلاس آمده بود و از تاریخچه حوزه و فردی که حوزه را تاسیس کرده، سخن گفته بود و خاطره‌ای از ساده‌زیستی و خدمتگزاری شیخ عبدالکریم حائری گفته بود.

همیشه خدا رو شاکرم که در قم زندگی می کنم. شهری که در آن بارگاه حضرت فاطمه معصومه (س) قرار دارد. این بانوی کریمه، مهمان نواز قهار است. بارها شده دلم گرفته و به هر دری که زده ام آرام نگرفته ام تا اینکه خود را به حرم رسانده ام.... همین که وارد حرم شدم آرامشی عظیم، مرا را فرا گرفت، گویی مادر آغوشش را بر رویم گشوده باشد و من خود را به بهترین پناهگاه امن زندگی ام رسانده باشم.... اذن دخول گرفتم، زیارت نامه خاندنم، بانو را زیارت کردم، نماز زیارت خواندم، ساعت‌ها مقابل ضریح زیبای ایشان نشستم و در ددل کردم آرام شدم؛ آرام آرام... از حرم که بیرون آمدم نام علمایی را که در ورود و خروج از حرم دیده بودم در ذهنم مرور می کردم که نام یک عالم مرا جذب خود کرد. آری او کسی نبود جز شیخ عبدالکریم حائری یزدی، موسس حوزه‌ی علمیه قم.



مرحوم شیخ حاج عبدالکریم حائری، مرجع تقلید و مؤسس حوزه علمیه قم خادمی داشت به نام شیخ علی. او می گوید: شبی در ایام زمستان در بیرونی آقا خوابیده بودم صدای در بلند شد، برخاستم و در را باز کردم دیدم زن فقیری است. اظهار کرد: شوهرم مریض است نه پول دارم و نه غذا و نه زغال که اقلا کرسی را گرم کنم. من جواب دادم: خانم این موقع شب که کاری نمی شود کرد و آقا هم می دانم الان چیزی ندارد که کمک کند. زن ناامید برگشت. آقا که حرف های ما را گوش می داده مرا صدا کرد. رفتم به اتاق، آقا فرمود: شیخ علی اگر روز قیامت کسی از من و از تو بازخواست کند که در این ساعت شب بنده من به در خانه شما آمد چرا او را ناامید کردید؟ ما چه جوابی داریم؟ عرض کردم: آقا ما الان چه کاری می توانیم برای او انجام دهیم؟

فرمود: تو منزل او را بلد شدی؟ عرض کردم: بلی می دانم، ولی رفتن میان آن کوچه ها با این گل و برف، مشکل است؟ فرمود: بلند شو برویم. وقتی که آمدیم و مریض را دیدیم و منزل را هم ملاحظه کردیم صحت اظهارات آن خانم معلوم شد. آن وقت، آقا به من فرمود: برو از قول من به صدرالحکما بگو همین الان باید این مریض را معاینه کند. من رفتم دکتر را آوردم. دکتر پس از معاینه، نسخه ای نوشت و به من داد و رفت، آقا به من فرمود: برو به دواخانه فلان، بگو به حساب من دوی این نسخه را بدهند. من رفتم دوا را گرفته و آوردم. بعد فرمود: برو به منزل فلان علاف بگو به حساب من یک گونی زغال بدهد، من رفتم ذغال را گرفتم و مقداری غذا آوردم، خلاصه آن شب آن خانواده فقیر از هر جهت راحت شدند. هم بیمار با خوردن دوا حالش خوب شد، هم غذا خوردند و هم کرسیشان گرم شد. بعد فرمود: روزی چقدر گوشت برای منزل ما می گیری؟ عرض کردم: هفت سیر، فرمود: نصف آن گوشت را هر روز به این خانه بده آن نصف دیگر هم برای ما فعلا بس است. آن وقت فرمود: حالا بلند شو برویم بخوابیم.

این خاطره را بارها برای خود مرور کردم. به این فکر کردم که چه کارها از دست ما برمی آید و ما ساده از کنار آنها می گذریم. یک کار کوچک، هرچند که تاثیرش موقت باشد می تواند آن دنیا، ما را در برابر خدا سربلند کند و این عالم بزرگوار که با هر عملش چندین درس مهم به ما می دهد....



عکس و مکث

حضرت امام خمینی
رهبر انقلاب
و روحانی زنده است

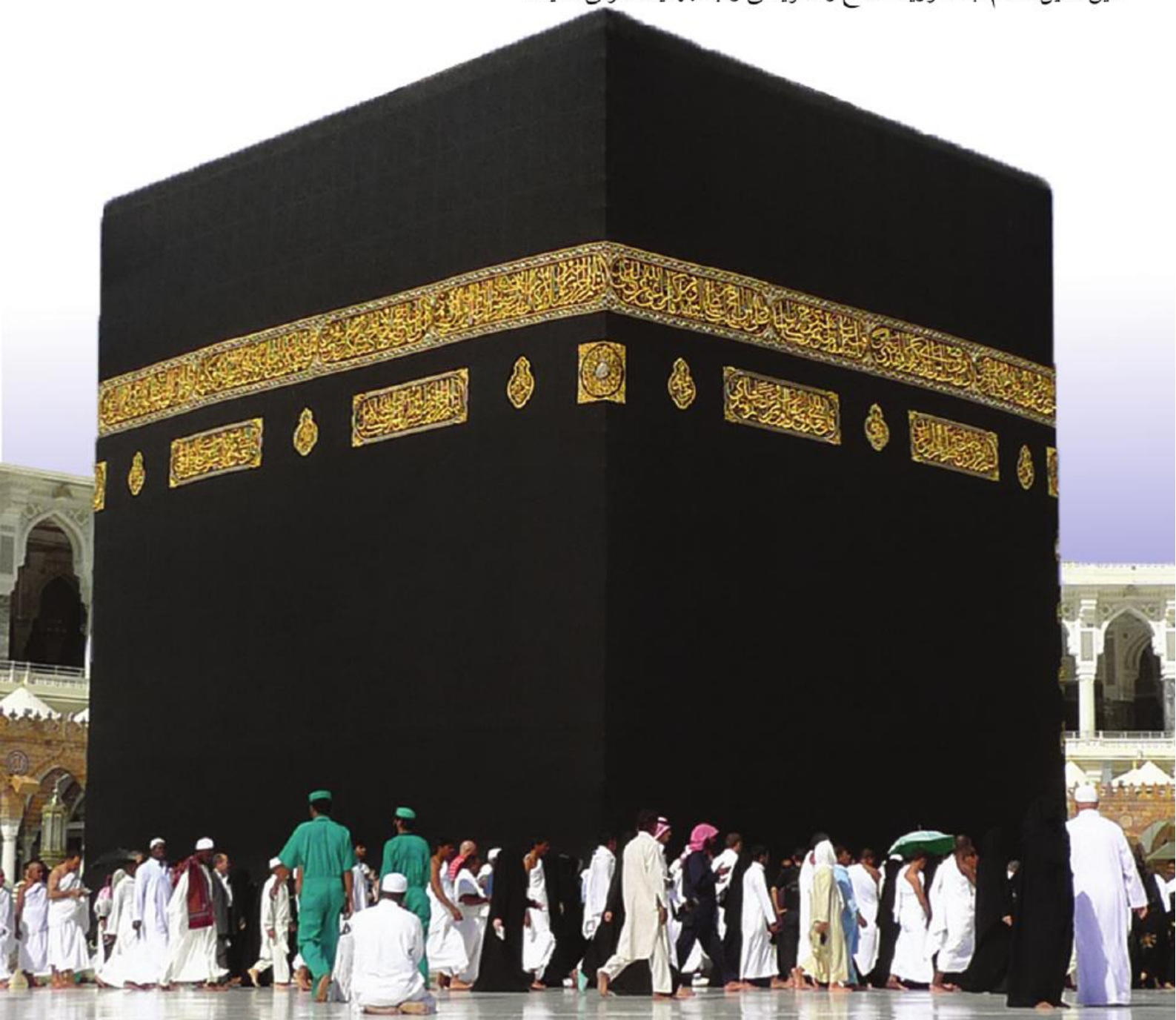




مقاله

اسلام، دین صلح و آشتی

خشونت گرایی و افراطی گری همواره یکی از معضلات تاریخی بشر بوده و ادیان و مذاهب مختلف یا متهم به دفاع از آن هستند یا در مقابل افراط و خشونت مقاومت کردند. امروزه با توجه به پیشرفت ابزار تبلیغات و اطلاع رسانی، مصادیق افراطی گری بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و عرصه جهانی را تحت تاثیر خود قرار داده است. در این میان، انگشت اتهام به خشونت گرایی و افراطی گری نسبت به دین اسلام بیش از گذشته است. لذا بر مسلمانان جهان لازم است با اتحاد و همدلی و توجه به آیات و سیره پیامبر اکرم (ص)، هجمه ها و شبهات مطرح شده از سوی غرب را پاسخ دهند و دین اصیل اسلام، با محوریت صلح و همزیستی را به جهانیان معرفی نمایند.





صلح در کلام وحی

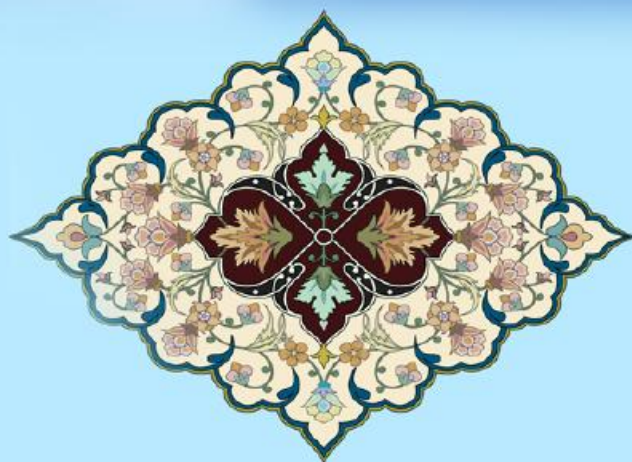
در قرآن کریم، به کرات بر ایجاد صلح و الزام مسلمانان و جامعه اسلامی به پیروی از منطق صلح تأکید و تصریح شده است. از جمله:

۱. خداوند متعال در آیه ۲۰۸ سوره بقره، با دعوت انسان‌ها به همزیستی مسالمت آمیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست. "سلم" و "سلام"، در لغت به معنی صلح و آرامش است و بعضی آن را به معنی اطاعت تفسیر کرده‌اند، و این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند.

۲. آیه ۶۱ سوره انفال با بیان آمادگی برای صلح می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست! این آیه به این نکته اشاره دارد که اگر دشمن به صلح و روش مسالمت‌آمیز رغبت کرد تو نیز به آن متمایل شو و به خدا توکل کن و مترس از اینکه مبدا اموری پشت پرده باشد و تو را غافل گیر کند و تو به خاطر نداشتن آمادگی توانی مقاومت کنی، چون خدای تعالی شنوا و دانا است. و هیچ امری او را غافلگیر نکرده و هیچ نقشه‌ای او را عاجز نمی‌سازد، بلکه او تو را یاری نموده و کفایت می‌کند.

۳. آیه ۹ سوره حجرات به مسأله اهمیت وحدت و برادری مومنان اشاره نموده است. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد. این یک وظیفه حتمی برای همه مسلمانان است که از نزاع و درگیری و خونریزی میان مسلمین جلوگیری کنند، و برای خود در این زمینه مسئولیت قائل باشند و در صورتی که مسأله از طریق مسالمت‌آمیز حل نشود، اسلام جلوگیری از ظلم و ستم را هر چند به قیمت جنگ با ظالم تمام شود لازم شمرده و بهای اجرای عدالت را از خون مسلمانان نیز بالاتر دانسته است. لازمه این پیکار این است که باید زمینه‌ساز صلح باشد، و مقدمه‌ای برای ریشه کن کردن عوامل نزاع و درگیری؛ در غیر این صورت، با گذشتن زمان کوتاه یا طولانی، بار دیگر که ظالم در خود احساس توانایی کند برمی‌خیزد و نزاع را از سر می‌گیرد.





تمسک به اصل صلح در سیره نبوی

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بر همزیستی مسالمت آمیز تأکید دارد. هدف تلاش‌های صلح آمیز رسول خدا (ص) در مقابل دشمنان این بود که به دل‌های مردم الفت بخشد و آنان را یکپارچه سازد تا اسلام را بپذیرند. و اگر دیده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی زمان‌ها وارد جنگ شده‌اند، باید توجه داشت که همه جنگ‌های آن حضرت به معنای واقعی کلمه جوانمردانه و شرافتمندانه بودند. مقصود از این جنگ‌ها پشتیبانی از گسترش اسلام و استواری پایه‌های صلح بود. از این‌رو، حضرتش پیمانی را نشکست، دشمنی را مثله نکرد و افراد ناتوان و یا غیر نظامی را نکشت. بدین جهت «اطلاق کشورگشایی اسلامی» بر جنگ‌های روزگار آن حضرت تعبیر درستی نیست؛ بلکه درست‌ترین تعبیر در این باره «گسترش اسلام» است، زیرا آن حضرت هیچ سرزمینی را به صرف هدف کشورگشایی نگشود، بلکه هدف، پشتیبانی از آزادی، انتشار اسلام و تحکیم پایه‌های صلح در نواحی مختلف بود.^۴

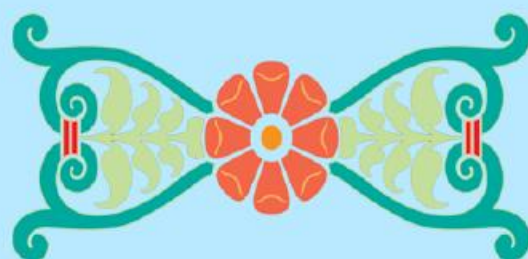
مصادیق فعالیت‌های صلح آمیز ایشان عبارتست از:

۱. ایشان ۱۳ سال در مکه در مقابل مشرکان، مقاومت مسالمت آمیز داشتند بدون آنکه سلاح حمل کنند یا بر آنها هجومی برند و در جواب به سوال صحابه می‌فرمودند برای کارزار مأمور نشده‌ام. پیغمبر صلی الله علیه و آله در همه احوال جنگ و صلح، با سران مشرکان و کفار به مهربانی و نرمی سخن می‌گفت و هرگاه نزد او می‌آمدند، حرمت و اعتبار می‌نهاد تا با اسلام انس یابند و اخلاق آن حضرت را بشناسند.^۵

۲. منشور مدینه، از مهم‌ترین و جامع‌ترین پیمان‌هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم اسلامی با جوامع یهود مدینه منعقد کرده است. این منشور که در راستای تنظیم روابط داخلی و خارجی جامعه اسلامی صدر اسلام تنظیم شده، بیان‌گر اهمیت اصل تعاون و تفاهم بین‌المللی و عنایت اسلام به همزیستی مسالمت آمیز است.^۶

۳. صلح حدیبیه براساس مقتضیات زمان میان مسلمین و مشرکان مکه منعقد شده است. براساس این پیمان که نوعی ترک مخاصمه به‌شمار می‌رود، دو طرف متعهد گردیدند، ده سال جنگ علیه یکدیگر را ترک کنند تا صلح و امنیت عمومی در شبه جزیره عربستان تأمین شود.^۷

۴. دستور وی مبنی بر اعلان عفو پس از بازگشت به زادگاهش - مکه - به عنوان پیشوای جامعه اسلامی اغلب به عنوان نمونه‌ای گویا و آشکار از طبیعت و سرشت بخشنده و با گذشت وی شناخته می‌شود و به جای انتقام گرفتن از دشمنان قسم خورده خود که با قرار دادن وی در وادی آزار و شکنجه، جنگ و خونریزی، رنج و مصیبت از دست دادن عزیزان، موجبات آزار و اذیتش را فراهم آورده بودند، از تقصیرشان گذشت و به آنان مصونیت و زندگی در صلح و آرامش را ارزانی داشت.^۸



۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از تنظیم و اصلاح روابط میان قبایل عرب و سامان دادن امور داخلی حکومت اسلامی، اصل ارتباط با دولت ها تلاش کرد تا روابط دوستانه دولت اسلامی را با فرستادن نماینده، پیام و انعقاد قرارداد، میان دولت های همسایه گسترش دهد.

بنابر این؛ اسلام در تبیین نحوه تعامل افراد و انسان ها، صلح و ثبات را محور قرار داده و ضمن دعوت پیروان خود به آرامش و سلم، می کوشد تا با ارائه راهکارها و دستورالعمل های مؤثر در مقابل سرمدمداران زور استکبار که داعیه رهبری جهانی دارند و دین اسلام را دین خشونت و افراطی گری معرفی می نمایند، به صلح پایدار جهانی در پرتو اصول و آموزه های دین متعالی اسلام دست یابد.

منابع

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۸۱
۲. محمد باقر همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه علمی مدرسن حوزه علمیه قم، ج ۹، ص ۱۵۴
۳. تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۷-۱۶۸
۴. عبدالحسین بیّنش، شبهه فرماندهی پیامبر (ص)، تحقیقات سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۸
۵. محمدعلی برزنجی، اسلام، اصالت جنگ یا صلح، عبدالحکیم سلیمی، حقوق بین الملل اسلامی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی همان، ص ۳۳
۶. عباس مهرپویا، محمد (ص) در اروپا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۸۸





آداب میوه خوردن در اسلام

گردآورنده: فاطمه شکوری

شستن میوه با آب قبل از خوردن آن

به نقل از فرات بن أَحَنَف، از امام صادق علیه السلام: «هر میوه‌ای، آلودگی به همراه دارد. پس اگر خواستید میوه بخورید، آن را با آب بشوید». (الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۴)

بردن نام خدا به هنگام خوردن میوه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «هر کس میوه بخورد و این خوردن را با نام خدا آغاز کند، میوه به او زیانی نمی‌رساند». (مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۶۱، ح ۲۰۵۴۷)

دعا کردن به هنگام دیدن میوه نوبر

امام علی علیه السلام: «وقتی پیامبر خدا میوه‌ای نو می‌دید، آن را می‌بوسید و روی چشمان و دهانش می‌نهاد و سپس می‌گفت: «خداوندا! چنانکه آغاز این میوه را در عافیت به ما نشان دادی، پایان آن را نیز در عافیت به ما بنمایان». (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۹، ح ۱۰)

خوردن هر میوه در آغاز فصلش و پرهیز از آن در پایان آن فصل

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بر شما باد میوه در هنگام روی کردنش؛ چرا که در این هنگام، مایه‌ی سلامت تن و از میان رفتن اندوه است. نیز آن را در هنگام پشت کردن و گذارید که در این هنگام، دردی برای تن است». (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶)



به

امام صادق علیه السلام فرمودند: «به، صورت را زیبا و قلب را تقویت می کند» و نیز فرمودند: «هر کس به را ناشتا بخورد، نطفه او سالم و فرزند او زیبا می شود». (وسائل الشیعه، ۳۰۱)

خواص

* این میوه به دلیل داشتن ترکیبی به نام «پکتین» که از کربوهیدرات های پیچیده است، خواص دارویی دارد و به درمان اسهال کمک می کند. این میوه دارای خاصیت تقویت کننده ی معده و التیام ورم روده و مقوی قلب، ضد نفخ، ادرار آور، قاعده آور و خلط آور است و نقش موثری در بهبود بیماری های ریوی دارد.

* ۱۰۰ گرم به حاوی: آب، مواد قندی، مواد نشاسته ای، کلسیم، فسفر، آهن، پتاسیم، سدیم، ویتامین آ، ویتامین ث

* به، تقویت کننده قلب است.

* نرم کننده دستگاه تنفسی است

* مقوی معده و دستگاه هاضمه است.

* به ترش، مسهل است.

* به ترش، است فراغ را بند می آورد.



به دانه

داخل میوه ی «به» دانه هایی به رنگ قهوه ای یا قهوه ای تیره وجود دارد. این دانه ها منبع بسیار خوبی از موسیلاژ (لعاب) هستند و حدود ۲۰ تا ۲۲ درصد وزن دانه را لعاب روی آن تشکیل می دهد.

دانه های «به» به دلیل وجود لعاب، در رفع التهابات مخاط ها، سرفه و گرفتگی صدا نقش بسزایی دارند.

نکته: دانه ی به را هرگز نجوید

توجه داشته باشید که دانه به را هرگز نباید به صورت له شده یا خرد شده، جوشانند و خورند، زیرا با این کار، موادی به نام آمیگدالین در «دانه به» تجزیه می شوند و اسید سیانیوریک تولید می کنند که اسیدی خطرناک است. با مکیدن یا بلعیدن دانه به، لعاب از روی آن جدا و دانه بدون هیچ تغییری دفع می شود. در این صورت خطر تولید اسید سیانیوریک وجود ندارد، اسید سیانیوریک فقط با له یا خرد شدن دانه در محیط معده تولید می شود.



این جلاک است

مرضیه ساجدی فر

اربعینی با مدرسه

صدای در چوبی کلاس که روی پاشنه چرخید، سکوت کلاس را در هم شکست. در با جیر جیر نسبتاً کوتاهی باز و صورت خندان و مهربان معاون فرهنگی در چارچوب در نمایان شد و خبر از ثبت نام برای پیاده روی کربلا را داد. با شنیدن این خبر تب و تاب عجیبی بین بچه های کلاس افتاد. هر کس حرفی می زد، عده ای مشتاقانه و خوشحال از این اتفاق، منتظر اتمام کلاس برای ثبت نام در کاروان بودند و عده ای دیگر در تب و تاب رفتن و نرفتن



ما رفتیم تا هم صدا با کاروان حسینی شویم و فریاد بی صدایمان مرهمی بر دل کاروان اسرای کربلا باشد و همراهی با خواهری تنها و دل شکسته که حالا چهل روز می شد برادرش را ندیده است، همراهی با مادری بی فرزند که حتی گهواره خالی فرزندش را هم ندارد برای لالایی های شبانه، همراهی با دختر کانی قدونیم قد که دیگر نه بابا دارند، نه برادر و نه عمو، همراهی با امامی بیمار اما مقتدر و همراهی با سهرایی بی بدن... قدم که می گذاری انگار خود ارباب، صدایت می کند و انگار مادر مهربانی ها، بانوی جوان امیرالمومنین دست، پشت گذاشته و راحت می اندازد. انگار علمدار، راه نشانت می دهد و اینها را آنان که رفته اند خوب می دانند.

شروع سفر با زیارت امیرالمومنین متبرک می شود و گنبد طلایی و ایوان طلایی اباالیتام، روشنی بخش چشمانت خواهد شد. اکثر کاروان ها دو روز در شهر نجف بیتوته می کنند تا اجازه زیارت کربلا را از ساقی کوثر بگیرند و آنگاه مردد از دل کنند از امیر دل ها و مشتاق به قدم نهادن در بین الحرمین به سمت کربلا به راه می افتند. وارد مسیر نجف کربلا که میشوی عمودها به ترتیب خم شده، زائر حسین را احترام می کنند. هرچه بیشتر پیش می روی گرمای وجود ارباب عطر بیشتری در فضا می پراکند. خدایا در این راه چه بر سر زینب (س) آمد، با کاروان خسته و مصیبت دیده ...

اینجا انگار دردها هم اغراق می کنند.

سفر پیاده روی از آن سفرهایی است که تا نیروی نمی دانی چه می گذرد؟ چگونه با وجود سختی های نه چندان کم، هر سال بر تعداد زائران و مسافران افزوده می شود؟ از آن سفرهای دلی عجیب و غریب که حساب و کتاب هر قدمش با علمدار کربلاست. و اما امسال برای دختران مدرسه آمنه، شیرینی سفر کربلا همراه شده بود با همسفری با همکلاسی ها و اساتیدشان که این خود لذت سفر را چند برابر می کرد. شروع این همدلی با مراسم وداعی زیبا در نمازخانه مدرسه بود. مراسمی که من را برد به حدود سی و چند سال پیش روزهای خداحافظی رزمندگان و اعزامشان به جبهه ها، ارواحانی محل با سریند یا زهرا که روی پیشانی اش خودنمایی می کرد، دانه دانه بسیجی ها را از زیر قرآن بزرگ قهوه ای رنگی رد می کرد تا همه سوار اتوبوس شوند و راه بیفتند. حکایت رفتن ما هم کمتر از آن نبود خداحافظی سوزناک بچه ها، حلالیت طلبیدن ها و پر شدن کوله هامان از التماس دعا های دوستان جامانده. ما پرچمدار مادر رسول الله شدیم تا قدم در جاده عشق بگذاریم و کلاس به کلاس مدرسه مان را در این مسیر، ماندگار کنیم. پروردگارا! تو شاهد باش که هر آنچه داشتیم از تعلقات دنیا بر زمین گذاشتیم و همسر و فرزند و خانه و زندگی را رها کردیم تا به اربابمان حسین بگوییم بابی انت و امی و نفسی یا اباعبد الله ...





آن یکی واکس می زند و... حالا دیگر گنبد و بارگاه
ساقی العطاشا از دور خودنمایی می کند و پشت سرش
هم گنبد ارباب، برای ورود به حریم حسین باید از
علمدارش رخصت بگیری، در مقابل صلابت ابوالفضل
پاهایم می لرزد، تابلوی بزرگ و زیبای السلام علیک
یا بن امیرالمومنین دلم را آتش می زند، یا بن الحیدر
رخصت، دلم استشمام عطر حرم ارباب می خواهد و
چشمانم بی تاب «یا بن السدره المتهی» است. پرده
اشک، راه دیدن را می بندد و ازدحام جمعیت اجازه
جلو رفتن بیش از این را نمی دهد. تنها چیزی که می
شود از حرم ارباب دید گنبد طلایی رنگی است که با
پرچم قرمز خودنمایی می کند.

صدای زیارت اربعین از بلندگوهای حرم در فضا پخش
می شود و من دیگر هیچ صدایی را نمی شنوم. تمام
ذرات وجودم بند بند سلام بر ارباب را با نوای دعا
زمزمه می کنند. چقدر تشنه و آرزومند این سلام بودم
حالا هیچ داعی جز «اللهم عجل لولیک» در ذهنم نقش
نمی بندد... کاش تا سال بعد این زیارت را با شما هم
نوا شویم. پروردگارا صاحب ما را برسان تا پرچم
سرخ گنبد اربابم را بردارد.
یا صاحب الزمان ایندفعه من دعا می کنم شما آمین
بگو:

«اللهم بحق المضطر اجب المضطر بظهور الحجة...»

هرکس که مریض می شود تنش تب دار می گردد،
خدایا زین العابدین چه کشید باتن تب دار و غل و
زنجیرهای نامردان. آنقدر صدای هل من ناصر ارباب بلند
است که هر نفسی را متوجه خود می کند. چه بسا این
مردمان به همین ندا در این راه جمع شده اند، اشک امانم
را بریده، شیعه بعد از چهل روز حزن و اندوه، اینک
دوباره داغش تازه شده و همه برای تسلی به صاحب
الزمان عازم کربلا می شوند. آخر مادر و پسری داغ دیده
منتظر زائران حسین هستند. برای رسیدن به سر منزل
مقصود تمرکز به یک نقطه است. همه آنقدر زیبا به
هدف مشترکشان فکر می کنند که عرب و عجم و افغانی
و پاکستانی و حتی مسلمان بودن لازم ندارند، آری اینجا
درد مشترک است. اینجا همه دل ها از غم زینب می
سوزد و بس... و اما دروازه کربلا بالاخره برای عشاق
الحسین، خودنمایی می کند. خیابان های ورودی شهر
مملو از جمعیت است.

صدای "لیک یا حسین" زائران آسمان و زمین کربلا را
شرمنده کرده... کاش آنها هم هزار و چهارصد سال پیش
ندای پسر زهرا را لیک می گفتند، تا کار به اینجا نکشد،
اما افسوس که فرصت انتخاب بین حق و باطل را غنیمت
ندانستند و راه را اشتباه رفتند. زمین کربلا هم ناله می کند
"السلام علی القلیل العبرات"... آسمان جای نفس کشیدن
برای این همه لیک گو را ندارد. این مصداق امت واحد
است همه دوشادوش هم در عزای اشرف اولاد آدم
شرکت کرده اند و هرکس هرچه در توان دارد برای زائر
الحسین انجام می دهد.



چشمه دانایی



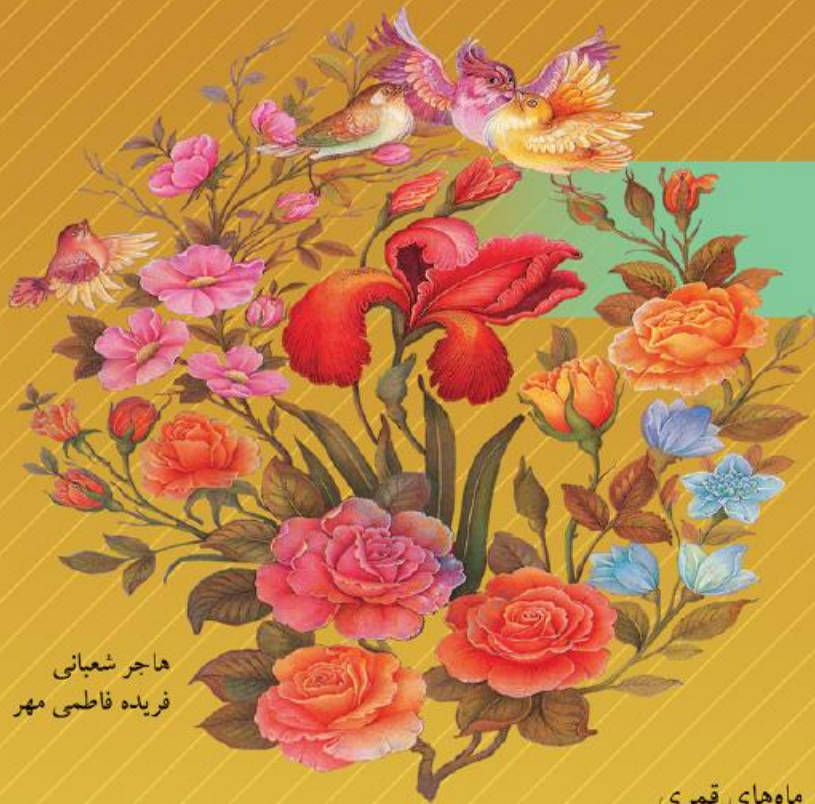
«درد دل همه باز شده است. ارشاد، فیلمبردار صدا و سیما تعریف می‌کند:

- آن فیلم معروفی را که از کلک چال پخش شد را من گرفتم. آنجا هم همین جوری تند می‌رفت بالا. جوری که ما و محافظان جا می‌ماندیم. همین طور که نفس نفس می‌زدیم، آقا ایستاد و به من گفت، دوربینت را بده من، بعداً می‌گویی که به خاطر دوربین جا مانده بودی... (می‌خندیم. ادامه می‌دهد) رسیدیم یک جایی وسط کوه که جای بدی بود. نگاه کردم اصلاً توی بک تهران را نداشتم. به محافظان گفتم پانصد متر برویم بالاتر. گفتند نه اینجا بسته است و امنیت دارد و... خلاصه دیدم نه، اینجا جور فایده ندارد، به خود آقا گفتم که این جا بک تهران را ندارم... آقا بلند شد و عبایش را جمع کرد و گفت برویم بالا، بعد هم به این محافظ‌ها گفت که بگذارید آقایان کارشان را انجام بدهند... بچه‌ها می‌گویند این را باید روی جلیقه‌مان بنویسیم (بگذارید آقایان کارشان را انجام دهند) و زیرش هم بنویسیم «مقام معظم رهبری!»...»

کتاب داستان سیستان سفرنامه‌ای کوچک است که سفر مقام معظم رهبری در سال ۸۶ به استان سیستان و بلوچستان را از نگاه خلاق آقای رضا امیرخانی به تصویر می‌کشد. در این کتاب امیرخانی در ابتدا به دید یک منتقد به مسائل نگاه می‌کند و خود و خواننده را به مرور، به جواب سوالات آگاه می‌کند. از ویژگی‌های قابل توجه این کتاب، پرداخت مناسب به موضوع قومیت‌گرایی و نیز موضوع شیعه و سنی است.

امیرخانی در این کتاب با استفاده از تسلطش بر زبان فارسی و البته حس طنز توانسته سفرنامه‌ای خواندنی به دست بدهد که در آن چهره‌های آشنای بسیاری حضور دارند: از خبرنگاران تلویزیونی تا مسئولان مختلف. سرتاسر کتاب پُر است از مشاهدات نویسنده از مناسبات و پدیده‌هایی که او در جریان این سفر ۱۰ روزه از منش و سلوک شخصی رهبری و کنش و واکنش‌های بین ایشان و مردم در موقعیت‌های متعدد این سفر مشاهده کرده است. در این کتاب، ما با زبانی ساده و سرراست و صمیمی طرف هستیم که در آن حتی شیطنتها و کلک زدن‌های نویسنده برای دست‌یابی به مقاصدش هم بی‌رودربایستی روایت می‌شود. اینکه چطور خودش را جای عکاس، جا می‌زند تا محافظ‌ها را فریب بدهد، چطور از اسم‌های دیگران استفاده می‌کند و کارهایی نظیر این.

جدول



هاجر شعبانی
فریده فاطمی مهر

افقی

۱. ماه نهم از ماه‌های قمری
۲. به دشت و زمین هموار گویند
۳. کابین کردن و کابین دادن زن را - برادران به عربی با حذف حرف آخر
۴. به ریختن پیایی آب از بالا به پایین گویند
۵. رنگ آرام بخش
۷. لقب امام یازدهم علیه السلام
۸. به وعده‌های غذایی گویند
۹. کنیه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله به پاس ارج و مقام حضرت زهرا سلام الله علیها او را به آن نام می‌خواند (یا ندا در اولش می‌آید)

عمودی

۱. به معنای محبت و دوستی است
 ۲. تکرار اولین حرف الفبا
 ۳. به معنای دلاوری‌ها، قدرت‌ها و راستی‌ها است
 ۴. به معنای پرورش‌دهنده است، به خداوند نیز اطلاق می‌شود - به مادر در عربی می‌گویند
 ۵. به معنای آزادی است
 ۶. کشوری در غرب ایران (با حذف حرف آخر آن)
 ۷. ضمیر متکلم مع الغیر - به زبان خوارزمی، آب را می‌گویند
 ۸. در فارسی به معنای کفیل شدن و تعهد کردن می‌باشد - حالت و چگونگی کش را می‌گویند
 ۹. آوازی که در هنگام درد برآورند - به محل عبور، گذرگاه و جاده می‌گویند.
- نوعی از گهواره که از چرم یا پارچه ضخیم می‌دوزند و دو سر ریسمان آن را به دو درخت یا دیوار مقابل می‌بندند - به معنای روی، چهره و پیشانی است که در عربی به معنای علامت و هیأت می‌باشد.

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
									۱
									۲
									۳
									۴
									۵
									۶
									۷
									۸
									۹



در امتداد نور...

نیره محمدی

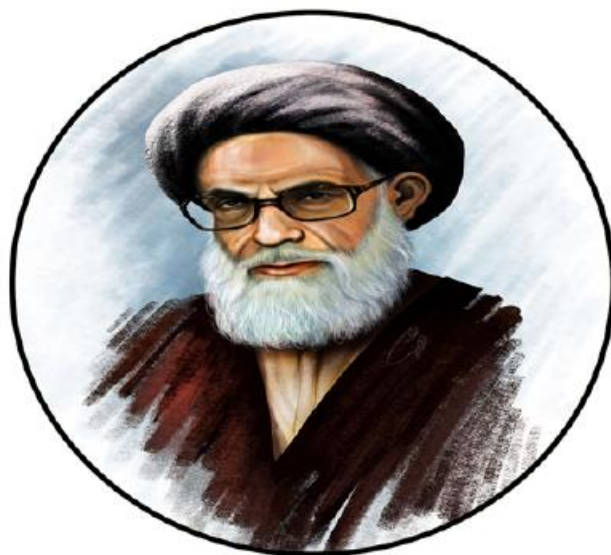
شهادت و نماز

راز نماز و نقص هواپیما

با آیت الله دستغیب برای انجام حج عمره هم سفر بودیم هواپیما چند ساعتی تاخیر داشت و موقع نماز آماده پرواز شد. اگر به جده می رسیدیم نماز قضا می شد؛ شهید دستغیب از اینکه نمی توانست به نماز اول وقت برسد خیلی ناراحت بود و خواست پیاده شود اما اجازه ندادند.

ناگهان هواپیما با نقص فنی روبرو شد و درها را باز کردند و وی از اینکه می توانست نماز اول وقت خود را ادا کند بسیار خوشحال بود و ما همه در حیرت بودیم از راز میان نماز شهید و نقص هواپیما.

شهید محراب سید عبدالحسین دستغیب - تولد: ۱۲۸۸، شهادت: ۱۳۶۰، محل شهادت: شیراز، مسئولیت: نماینده امام خمینی (ره) در استان فارس و امام جمعه شیراز.



دعوت به نماز

یک روز شهید حسین غفاری پس از بحث و گفت و گو با یکی از سران مارکسیست، به شوخی گفت بلند شو نماز بخوان او گفت من مارکسیستم اما شیخ دوباره اصرار کرد، تا جایی که آن فرد گفت به خدا قسم من مارکسیستم. شیخ گفت تو غلط کرده ای، اگر واقعا مارکسیستی چرا به مارکس و کمونیسم قسم نمی خوری همین شیوه قسم خوردن ثابت می کند که به خدا اعتقاد داری. به تدریج روحیات آن فرد تغییر کرد و بالاخره از مارکسیست ها فاصله گرفت و مسلمان واقعی شد.

شهید آیت الله حسین غفاری - تولد: ۱۲۹۳، محل تولد: آذرشهر، شهادت: ۱۳۵۳، زیر شکنجه ماموران ساواک، زیارتگاه: قم، قبرستان وادی الاسلام.

نماز وصل

وقتی یک گلوله آرپی جی بالای سرش منفجر شد، دو سه بار صدایش کردم جوابی نداد چون لباس غواصی پوشیده بود. آثار خون و جراحت پیدا نبود، نزدیک تر رفتم دیدم، خون از دهانش جاری است. دستم را زیر بغلش بردم تا بلندش کنم، دیدم دست اسماعیل جدا شد. اما با همان وضعیت ذکر می گفت. داشتم او را به اورژانس می بردم، موقع نماز صبح بود. در بین راه متوجه شدم اسماعیل اشاره می کند. خیلی آرام گفت: نماز خوانده اید؟ نماز مان قضا نشود؟ همه نمازهایشان را خواندند. خود اسماعیل هم همین طور. لحظاتی پس از خواندن نماز و پیش از رسیدن به اورژانس، اسماعیل که گویا نمازش قبول شده بود جان به جان آفرین تسلیم کرد.

شهید اسماعیل محمدی - تولد: کاشان، سال: ۱۳۴۵، شهادت: ۱۳۶۳، عملیات بدر، محل شهادت: جزیره مجنون، زیارتگاه: دارالسلام کاشان.



لباس نماز

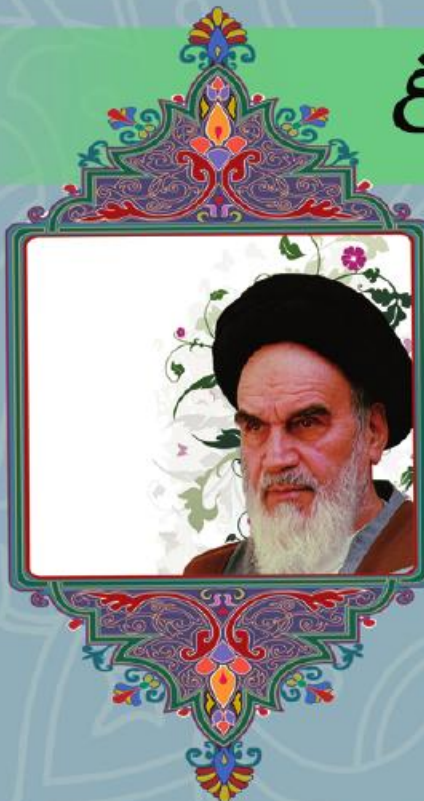
اوایل انقلاب، خواندن نماز اول وقت، چندان بین مردم متداول نبود. اما شهناز، از همان روزها تأکید زیادی بر نماز اول وقت داشت. برای نماز لباس جداگانه ای داشت و هرگاه از او می پرسیدم چرا موقع نماز لباس را عوض می کنی؟ می گفت: چه طور زمانی که می خواهی به مهمانی بروی، لباس آراسته می پوشی؟ چه مهمانی و دعوتی بالاتر از گفتگوی با خدا؟ نماز مهمانی بزرگی است که خداوند بندگانش را در آن می پذیرد. پس بهترین وقت برای مرتب، پاکیزه و منظم بودن است.

شهیده شهناز حاجی شاه - تولد: دزفول، شهادت: ۱۳۹۵، خرمشهر، زیارتگاه: گلزار شهدای خرمشهر.

چلچراغ

علما و وحدت

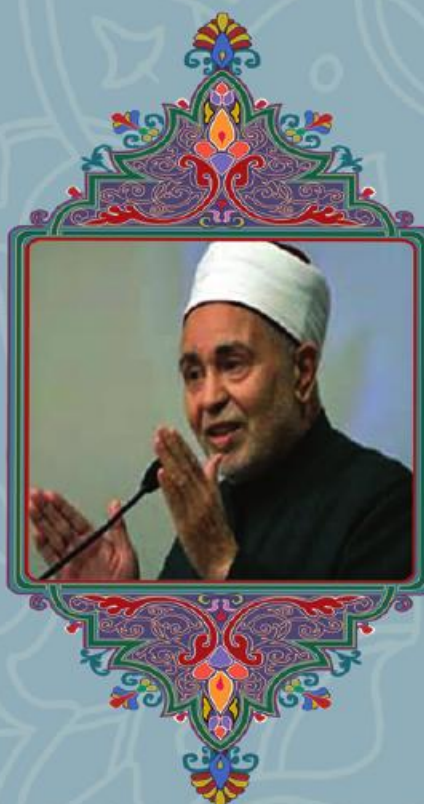
حضرت امام خمینی (ره): «ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم، مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان ها بشود بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست ما همه با هم برادریم.»



شیخ "منصور مندور" روحانی مصری: «هدف از بعثت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، وحدت و همدلی میان مردم بود.»



شیخ طنطاوی: «باید در راستای مصلحت و اتحاد امت اسلامی و پیشگیری از ایجاد فتنه با تفکری آزاد، گفت و گویی اندیشمندانه و مثبت و همچنین حسن نیت، همکاری کرد. شیعه و سنی در اساس اختلافی با یکدیگر ندارند؛ چرا که هر دو گروه بر خداوند واحد اعتقاد دارند و به سوی مکه نماز می گذارند. اختلاف جزئی که میان آنان وجود دارد در خصوص تفاسیر متفاوت علماست و نه در اصول شناخته شده اسلام. این اختلافات نیز می تواند با گفت و گو در فضایی آرام و سازنده میان علمای دو طرف مورد بررسی قرار گیرد.»



مقام معظم رهبری (مدظله): «وحدت به معنای تمسک
«جمعی» به جبل الله است.»

قرآن می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». اعتصام به جبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ امّا قرآن اکتفا نمی‌کند به اینکه ما را به اعتصام به جبل الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به جبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جميعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسلمان باید معتصم به جبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان‌ها و همدست با آن‌ها انجام دهد.



حضرت آیت الله «العظمی» سیستانی: «شیعیان باید پیش از اهل تسنن به دفاع از حقوق اجتماعی و سیاسی سنی‌ها پردازند. گفتمان ما بر دعوت به وحدت استوار است و بنده بارها گفته و باز هم می‌گویم که نگویید سنی‌ها برادرانمان هستند بلکه آنها نفس و جان ما هستند.»



«راشد الغنوشی» رئیس جنبش النهضة تونس: «به فرموده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، همه مردم با یکدیگر برادر هستند و دلیلی برای جنگ میان مسلمانان وجود ندارد و از نظر دینی و انسانی هم این کار درست نیست و از خداوند متعال می‌خواهیم که این مناسبت‌ها را وسیله و فرصتی برای وحدت و انسجام و احسان قرار دهد.»

"شیخ محمود شلتوت"، محقق، مفسر، فقیه نامدار و از رؤسای دانشگاه الازهر و از مؤسسان دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه:

«افراد تنگ نظر با اندیشه (وحدت) ستیز کردند، همچنان که گروه دیگری از غرض ورزان بدخواه، با آن جنگیدند. هیچ امتی از اینگونه افراد خالی نیست. آنان که تضمین بقا و معیشت خود را در تفرقه می‌یابند با آن جنگیدند، و افراد بددل و اهل هوا و هوس و گرایش‌های خاص با تشکیل دارالتقریب مبارزه کردند؛ هر دو دسته کسانی هستند که قلم خود را به سیاست‌های تفرقه‌افکن می‌فروشند! سیاست‌هایی که با شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم با هر حرکت اصلاحی مبارزه می‌کنند و در مقابل هر کاری که باعث اتحاد مسلمانان است، می‌ایستند.»



حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: «می‌دانیم آیین اسلام، آیین وحدت است و تمام دستورات اجتماعی اسلام و حتی دستورات عبادی، بر محور وحدت دور می‌زند. همه، پیرو یک کتاب آسمانی هستیم و پیروان یک پیامبر، همه به سوی یک قبله نماز می‌خوانیم و همه در مراسم حج، مناسک را به صورت متحد انجام می‌دهیم. قرآن کریم اختلاف را، هم ردیف زلزله و صاعقه شمرده و توحید را مانع هرگونه تفرقه دانسته است و ممکن است مذاهب مختلف اسلامی، در بعضی از مسایل اختلاف نظر داشته باشند، ولی در اصول مسلم اسلام، متحد و متفق هستند.»

برانیز انار

مواد برای موس انار

آب انار: دو و یک دوم پیمانه
شکر: یک سوم پیمانه
آرد ذرت: ۱ قاشق س خ
پودر ژلاتین: ۸ گرم
خامه فرم گرفته یک و یک
دوم پیمانه
رنگ خوراکی: صورتی در
صورت تمایل چند قطره

مواد برانیز

کره: ۷۵ گرم
شکلات تلخ: ۵۰ گرم
پودر کاکائو: ۱ قاشق س خ
آرد: ۷۵ گرم
وانیل: یک چهارم ق چ
نمک: یک هشتم ق چ
تخم مرغ: دو عدد
شکر: ۱۰۰ گرم
پودر کاکائو: برای تزیین ۱ ق چ
انار دانه شده برای تزیین به
مقدار لازم



عاطفه بهرامی

طرز تهیه برانیز

کف یک قالب ۲۰×۳۰ سانتی متری را چرب کرده و آردپاشی کنید و فر را با دمای ۱۸۰ درجه سانتی گراد گرم کنید. کره، شکلات تلخ و پودر کاکائو را در مایکروویو یا روی بخار آب ذوب کرده و کنار بگذارید تا خنک شود.

آرد، وانیل و نمک را مخلوط و الک کنید. تخم مرغها و شکر را با همزن برقی بزنید تا پوک شود، سپس مواد خشک را افزوده و مخلوط نمایید. در آخر مخلوط شکلاتی را اضافه کرده و همه مواد را با هم مخلوط کنید. قالب را به مدت ۴۵ دقیقه در فر قرار دهید، سپس خارج کرده و کنار بگذارید تا خنک شود. موس انار را روی برانیزهای خنک شده بریزید و به مدت ۳ ساعت در یخچال قرار دهید، سپس روی آن پودر کاکائو ریخته و با انار دانه شده تزیین نمایید.

طرز تهیه موس انار

ابتدا آب انار تازه را از صافی عبور دهید، سپس داخل قابلمه روی حرارت قرار داده و شکر را اضافه کنید تا حدود ۱۰ دقیقه روی حرارت بماند. آرد ذرت را با ۲ قاشق سوپ خوری آب مخلوط کرده و هم بزنید تا یکدست شود و به مخلوط قبلی بیفزایید. حرارت را کم کرده و مرتب هم بزنید تا مایع غلیظ شده و حجم آن کمی کاهش پیدا کند. پودر ژلاتین را روی ۴ قاشق سوپ خوری آب پاشیده و کمی صبر کنید و روی حرارت غیر مستقیم قرار دهید، سپس ژلاتین را به مواد قبلی اضافه کنید و بعد مخلوط را کنار بگذارید تا خنک شود. خامه را فرم دهید و به مخلوط خنک شده بیفزایید. در صورت تمایل کمی رنگ صورتی اضافه کنید.





مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع)

گفتگویی صمیمانه با سرکار خانم سائری

مدیریت محترم مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع) سلام الله علیها

نمی شود نام پایان نامه را بر آن گذاشت، یعنی در حد یک سمینار دانشگاهی و ارائه مبحث علمی-تحقیقی. اما در چند سال اخیر مقداری نگاه وسیع تر شده و دامنه فعالیت های پژوهشی در قالب علمی گسترده تر شده است. امیدوار هستیم این روند که روند موفق است در مرحله اجرا نیز مرحله اجرایی خاصی باشد.

در خصوص مسائل فرهنگی نیز پایه طلبگی براساس فرهنگ است، یعنی طلبه پرورش پیدا می کند از جهت بعد علمی، آموزشی و پژوهشی در جامعه کارآمد باشد و بتواند معضلات اجتماعی جامعه را به نحوی حل کند و این مهم ترین وظیفه طلبه است، یعنی مهم ترین وظیفه طلبه مبلغ قوی شدن است. بحث تبلیغ صرفاً رفتن به مکان های دوردست یا مراکز عمومی متفاوت نیست، حتی در تدریس کردن فردی که به عنوان استاد مجموعه محسوب می شود و برای اینکه زکات علم خود را بدهد، در ضمن تدریس می تواند یک مبلغ خوب باشد و در ضمن تدریس خود می تواند پژوهشگر کارآمدی باشد، یعنی عملاً یک طلبه باید در ابعاد متفاوتی رشد کند، یک بعدی شدن طلبه اصلاً هدف مدرسه علمیه نیست.

در مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع) یقیناً با توجه به دغدغه ای که هیئت امنا و موسس محترم مدرسه دارند، ما هدف متفاوتی را دنبال می کنیم. در واقع همان طور که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در بیان ایشان می فرمایند که طلاب می بایست دارای مهارت باشند و مهارت های مختلفی را کسب کنند، این شیوه را می خواهیم اجرا کنیم. البته این هدف زمان بر است و یقیناً پایه های علمی و آموزشی شرط اساسی است، یعنی باید در وجود طلبه نهادینه شده باشد. صرفاً بحث دریافت مدرک و نمره در عالم طلبگی معنای خاصی ندارد، باید مطالب علمی در عمق وجودش عجین شده باشد. طلبه ای که ما در مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع) (سلام الله علیها) و به نظر می رسد شاید در تمام مدارس علمیه

مدیریت محترم مدرسه حضرت آمنه (ع) سلام الله علیها، سرکار خانم سائری، با عرض سلام و احترام، سپاسگزاری می کنم از قبول زحمت حضرت تعالی و حضور در گفتگوی صمیمانه ای که در خصوص اهداف و سیاست های مدرسه آمنه (ع) سلام الله علیها و آرمان های پیش روی آن ترتیب داده شده است. لطف نموده و می فرمایید:

-اهداف و سیاست های مدرسه حضرت آمنه (ع) سلام الله علیها در حوزه آموزش چیست؟

از آنجایی که مدارس علمیه تحت پوشش مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران عمل می کنند، قاعدتاً سیاست ها و اهداف کلی از سوی شورای سیاست گذاری مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران تصویب شده و به مراکز مدیریت استان ها اعلام شده و از طریق مدیریت های استان به مدارس ابلاغ می شود که برچه اساس و ضوابطی عمل کنند.

در حوزه آموزش، طلاب می بایست واحدهای خاصی را در سطح ۲ و به تبع در سطح ۳ و ۴ بگذرانند. در دوره ۵ ساله عمومی واحدهایی تعریف شده است که هر طلبه در ابتدای ورود موظف است حداقل ۱۹ واحد را در هر ترم بگذرانند. البته در ترم اول کمی حالت اجبار دارد، ولی در ترم های بعد می تواند براساس زندگی خانوادگی، شرایط جسمی، روحی و روانی تعداد واحدهای کمتری بگیرد. تقریباً این دوره در پنج سال می بایست تمام شود که در برخی شرایط خاص تا هفت سال هم می تواند ادامه پیدا کند.

-در حوزه مسائل پژوهشی و فرهنگی چه رویکردی وجود دارد؟

در زمینه مسائل پژوهشی تعریف های خاصی است یعنی چندسالی است که در مدارس علمیه به خصوص در سطح ۲ نگرش خاصی به آن شده است. پیش تر فعالیت های پژوهشی در حد پایان نامه سطح ۲ بود که عملاً



در حد معمول باشم، اگر در کلاس حضور پیدا می کنم حتماً بایستی با پیش زمینه علمی وارد کلاس شوم و بعد از آن هم یک مباحثه دقیق علمی و تحقیقات وسیعی در آن زمینه داشته باشم. چرا که مطلب را اگر من بخواهم از نظر حافظه خود فرابگیرم و حفظش کنم و هدفم نمره و مدرک باشد آن بار علمی لازم را نخواهد داشت، آن دغدغه های بعدی پژوهشی و تبلیغی را به دنبال خودش نخواهد داشت. به همین جهت، ضروری است طلبه در بدو ورود، نگرش و هدف خود را مشخص کند و با آن هدف و ارتباط و معامله با خداوند متعال وارد شود، چرا که اگر این معامله نباشد به نظر بنده اتلاف وقت است و در پایان پنج سال خواهیم دید غیر از آن زحمتی که به خود داده ایم و فشاری که به خانواده و همسر و فرزند آورده ایم چیزی عایدمان نشده است. بنابراین هر زمان که هدف و معامله با خداوند مشخص شود، نتیجه خاص خودش را خواهد داشت.

- آیا مدرسه علمیه حضرت آینه (سلام الله علیها) توانسته است به عنوان حوزه انقلابی عمل کند؟

پایه و اساس مدرسه علمیه حضرت آینه (سلام الله علیها) بر اساس فرمایشات حضرت امام (رحمه الله) و مقام معظم رهبری (مدخله العالی) است. نگاه ما غیر از همان طلبه انقلابی بودن هیچ نگاهی نیست، این نگاه که نظام جمهوری اسلامی راحت بدست نیامده است و تحقق آن با خون شهدا آبیاری شده است و زحماتی که حضرت امام و بزرگان دین و شهدا و علما همه آبیاری کرده اند تا به این نتیجه رسیده است، حفظش به مراتب مشکل تر و سنگین تر است. برای همین طلبه در اصل معامله ای که عرض کردم باید با خدا انجام شود و هدف مشخص شود، اگر این بعد در وجود شخص نباشد که تابع باشد و پشت سر ولایت حرکت کند، یقیناً هر کاری بخواهد بکند تحققش غیرممکن است. در بحث توحید ما این مسأله را داریم که توحید محقق نمی شود مگر با ولایت یعنی عینیت خودش را پیدا نمی کند مگر با تحقق ولایت و اگر ولایت نباشد عملاً تحقق آن غیر ممکن خواهد بود.

و السلام علیکم و رحمه الله

باید زمینه رشد و شکوفایی آن را محقق کنیم، طلبه ای است که باید از نظر آموزش و پژوهش قوی باشد و تمام مباحث آموزشی را که زمینه پژوهش های معتبر است، ایجاد نماید و در بعد فرهنگی و حل مشکلات فردی و خانوادگی و اجتماعی جامعه به کار گیرد. در واقع لازم است یک طلبه، طراح برنامه های فرهنگی باشد نه صرفاً تبلیغ موعظه ای برود یا احکام بگوید یا مشاوره دهد بلکه برای حل مشکلات فرهنگی جامعه باید راهکار بدهد. این مهم ترین هدفی است که باید در سطح ۲ مقدمات و پایه های آن گذاشته شود و در سطح ۳ و ۴ به نتیجه مطلوب عملی برسد انشاء الله.

- آیا تاکنون مدرسه علمیه حضرت آینه (سلام الله علیها) توانسته به نتیجه مطلوب مدنظر جنابعالی برسد؟

ما تاکنون فارغ التحصیل سطح ۲ نداشته ایم ولی در حد پایه ۱ و ۲ الحمدلله طلاب موفق داریم که هم از نظر علمی توانسته اند کارآمد باشند و به درجه استادیاری برسند که در صورت عدم حضور استاد بتوانند برخی از دروس پایه از جمله ادبیات، احکام، فقه و کلام را دنبال کنند و هم در زمینه پژوهشی می توانیم ادعا کنیم طلاب از پایه اول قدم هایی را در این زمینه برداشته اند. طلاب در زمینه تبلیغ، مهارت هایی داشته اند، به ویژه در برخورد با کودکان در مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه که تا حدودی نتیجه بخش بوده است. ولی می توانیم بگوییم مقدمات این امور در مدرسه صورت گرفته و الحمدلله طلاب مدرسه علمیه حضرت آینه (سلام الله علیها) در هر سه حوزه آموزش، پژوهش و فرهنگی موفق بوده اند و انشاء الله شاهد نتایج آن در پایه های بالاتر خواهیم بود.

- انتظارات جنابعالی از طلاب مدرسه علمیه حضرت آینه (سلام الله علیها) چیست؟

انتظار شخصی بنده خیر، بلکه انتظار مؤسس و هیئت امنای که علاوه بر سرمایه گذاری مرکز مدیریت، واقعاً سرمایه گذاری و زمان صرف می کنند، نتیجتاً انتظار بالاتری است. یعنی نمی توانیم بگوییم انتظار در حد معمول سطح ۲ است. مسلماً طلاب باید از همان بدو ورود دغدغه داشته باشند و متعهد شوند دارای برنامه ریزی باشند خصوصاً که بالاتر از همه، بنده یا بزرگواران دیگر، خداوند متعال و حضور مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حضرت معصومه (سلام الله علیها) و حضرت آینه (سلام الله علیها) است که ناظر هستند؛ وقتی بنده متعهد شوم و با این نگرش معنوی وارد مدرسه علمیه شوم، یقیناً نباید

ساعت ورزش

زندگی + ورزش

عاطفه بهرامی

سلامتی مهم‌ترین رکن یک زندگی سالم، موفق و شاد است. هر روز نشستن پشت میز می‌تواند تأثیر منفی بر سلامتی بدن بگذارد، به خصوص اگر نحوه صحیح نشستن هم رعایت نشود. آویزان کردن شانه‌ها و افتادن روی صندلی می‌تواند باعث کمردرد، سردرد، فشار آمدن به کمر، گردن و شانه‌ها و خشک شدن آنها شود. انجام برخی حرکات کششی، انعطاف پذیری بدن را افزایش داده، باعث می‌شود بدنتان فشار و استرس کمتری را تحمل کند و تناسب اندام بیشتری داشته باشید.

تمرین اول: تقویت عضلات گردن

بایستید یا بنشینید. کف دست‌های خود را روی سمت راست سرتان فشار دهید. در همین حالت سرتان را به دست خود فشار دهید، به طوری که سرتان حرکت نکند. می‌توانید در این حرکت ۱۰ تا ۱۵ ثانیه بمانید و حرکت را سه تا چهاربار تکرار کنید. سپس آن را برای سمت چپ سر انجام دهید. این تمرین به تقویت عضلات گردن کمک می‌کند.

تمرین دوم: کشش کتف‌ها به سمت عقب

همان‌طور که روی صندلی نشسته‌اید کمر خود را کاملاً صاف کنید و تکیه دهید. دست‌ها را پشت سرتان قلاب کنید، به گونه‌ای که آرنج‌ها باز باشد. سپس کتف خود را به سمت عقب بکشید. ۲۰ تا ۳۰ ثانیه در این حرکت بمانید و آن را سه تا چهاربار تکرار کنید. این حرکت برای تقویت عضلات پشت مناسب است.



تمرین سوم: کشش قفسه سینه

به این منظور دست‌های خود را در پشت خود بکشید و انگشتان را در هم قفل کنید، سپس همزمان با کشیدن قفسه سینه به جلو، دست‌ها و بازوهای خود را به عقب بکشید.



تمرین چهارم: حرکت کششی شانه

یک دست را زیر آرنج دست دیگر خود قرار دهید. آرنج خود را در راستای قفسه‌ی سینه بکشید. به هنگام کشش به هیچ عنوان بدن خود را انحراف ندهید. کشش دستتان را به مدت ۳۰ ثانیه نگه دارید تا فشار را در پشت شانه‌تان احساس کنید. به آرامی هر دو دست خود را پایین آورده و حرکت کششی را برای دست دیگر تکرار نمایید.

هنر در خانه

آموزش ساخت زیر لیوانی نمدی

مراحل ساخت

مرحله اول: ابتدا براساس اندازه دلخواه (طول و عرض دلخواه) مقداری پارچه نمدی تهیه کنید و برش های عمودی بر روی پارچه نمدی تهیه شده ایجاد کنید. توجه کنید که برش ها باید دو سانتی متر از بالا و دو سانتی متر از پایین پارچه فاصله داشته باشد.

مرحله دوم: در این بخش با تهیه پارچه های نمدی در رنگ های دیگر، برش های نوار گونه ای را برنید و با توجه به کار مرحله قبل این پارچه های نواری را از درون پارچه اصلی عبور دهید. توجه داشته باشید که نوارها را یکی از زیر و یکی از روی نوارها عبور دهید.



مرحله سوم: در این بخش، وقتی کار را به اتمام رسانده اید یک پارچه نمدی دیگر (هم اندازه نمد مرحله اول) به زیر کار قرار داده و دور تا دور کار را بدوزید.

مرحله چهارم: در نهایت، شما توانسته اید یک زیر لیوانی نمدی بسیار زیبا بسازید.

امیدوارم از این آموزش نهایت لذت را برده باشید.



فرزند بینش‌تر زندگی به‌تر

۳۰ سال بعد



۳۰ سال بعد



وعدہ صادق نابودی داعش نتیجہ مجاہدت فداکارانہ



بسم الله الرحمن الرحيم
سردار پر افتخار اسلام و مجاہد فی سبیل اللہ آقای سرلشکر حاج قاسم سلیمانی (دام توفیقہ)
خدای بزرگ را با ہمہی وجود سپاسگزارم کہ بہ مجاہدات فداکارانہی شما و خیل عظیم
ہمکارانتان در سطوح مختلف، برکت عطا فرمود و شجرہی خبیثہای را کہ بہ دست طواغیت
جہان غرس شدہ بود، بہ دست شما بندگان صالح، در کشور سوریه و عراق ریشہ کن کرد.
این تنہا ضربہ بہ گروہ ستمگر و روسیاء داعش نبود؛ ضربہی سخت تر بہ سیاست خباثت
آلودی بود کہ ایجاد جنگ داخلی در منطقہ و نابودی مقاومت ضد صہیونیستی و تضعیف
دولتہای مستقل را بہ وسیلہی رؤسای شقیّ این گروہ گمراہ ہدف گرفتہ بود؛ ضربہ بود بہ
دولتہای قلبی و کنونی آمریکا و رژیمہای وابستہ بہ آن در این منطقہ کہ این گروہ را بہ
وجود آوردند و ہمہگونہ پشتیبانی کردند تا سلطہی نحس خود را در منطقہی غرب آسیا
بگسترانند و رژیم غاصب صہیونیست را بر آن مسلط سازند. شما با متلاشی ساختن این تودہی
سرطانی و مہلک، نہ فقط بہ کشورہای منطقہ و بہ جہان اسلام بلکہ بہ ہمہی ملتہا و بہ
بشریت خدمتی بزرگ کردید. این نصرتی الہی و مصداق «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ
رَمَى» بود کہ بہ خاطر مجاہدت شبانہ روزی شما و ہمرزمانتان بہ شما پاداش دادہ شد.

اینجانب صمیمانہ بہ شما تبریک میگویم و با این حال تأکید میکنم کہ از کید دشمن غفلت
نشود. آنہایی کہ با سرمایہ گذاری سنگین، این توطئہی شوم را تدارک دیدہ بودند آرام
نخواہند نشست، سعی خواہند کرد آن را در بخشی دیگر از این منطقہ و یا بہ شکلی دیگر
دوبارہ بہ جریان افکنند. حفظ انگیزہ، حفظ ہوشیاری، حفظ وحدت، زدودن ہر پسماند
خطرناک، کار فرہنگی بصیرت افزا و خلاصہ، آمادگی ہای ہمہ جانبہ نباید فراموش شود. شما
را و ہمہی برادران مجاہد از کشورہای عراق و سوریه و دیگران را بہ خدای بزرگ می سپارم
و بہ ہمہی شما سلام و دعا میکنم.

والسلام علیکم و رحمۃ اللہ

۳۰ آبان ماہ ۱۳۹۶

سیدعلی خامنہ ای